

تحلیل محتوای برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران از منظر توجه به فقر و طرد اجتماعی^۱

زهرا آذری *

پرویز محمدزاده **

داوود بهبودی ***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۵

چکیده

یکی از اسنادی که معمولاً، به‌عنوان سند بالادستی و هدایتگر توسعه، مبنای عمل مجریان قرار می‌گیرد، برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور است. هدف تحقیق حاضر، پاسخ به این پرسش محوری است که در این برنامه‌ها، رفع فقر که از اهداف نظام جمهوری اسلامی است، چگونه در سیاست‌گذاری‌ها مورد توجه واقع شده است؟ برای پاسخ‌گویی به سؤال پژوهش، از تکنیک تحلیل محتوای کمی استفاده شده است. نظریه مبنایی در نظر گرفته شده برای تحلیل محتوای برنامه‌های توسعه، رویکرد فقر درآمدی، فقر قابلیت‌ی و طرد اجتماعی است. جامعه آماری پژوهش، مفاد شش برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران است. نتایج بیانگر این است که در این بین، برنامه دوم توسعه بیشترین توجه و برنامه اول توسعه کمترین توجه را به سه رویکرد مورد مطالعه داشته‌اند. برنامه‌های اول، چهارم و پنجم توجهی به فقر درآمدی نداشته‌اند و برنامه‌های دوم، سوم و ششم، با در نظر گرفتن فقر درآمدی، به فقر قابلیت‌ی و طرد اجتماعی توجه نموده‌اند. باتوجه به حرکت پُرنوسان برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران، در جهت مبارزه با فقر و

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری خانم زهرا آذری دانشجوی دکتری اقتصاد نهادگرایی دانشگاه تبریز است.

* دانشجوی دکتری اقتصاد نهادگرایی، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.
** استاد اقتصاد، گروه توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه تبریز،

تبریز، ایران (نویسنده مسئول). Email: pmpmohamadzadeh@gmail.com

*** استاد اقتصاد، گروه توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

محرومیت، و تحقق نیافتن هدف نظام جمهوری اسلامی ایران، پیشنهاد می‌شود که سندی تحت عنوان «سند اصلاحات نهادی» جهت اصلاح نهادهایی همچون قواعد رسمی و حکمرانی (نهادهای سطوح دوم و سوم، مطابق نظریه چهار سطح تحلیل اجتماعی ویلیامسون) تدوین شده و برنامه‌های توسعه پیش‌رو، در جهت پیش‌برد آن سند نگاشته و عملیاتی شوند. اصلاحات نهادی زمینه لازم برای رشد فراگیر را فراهم خواهد آورد که نتیجه آن، رفع فقر قابلیتی و طرد اجتماعی در کشور و ارتقای وضعیت درآمدی افراد خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: برنامه توسعه، فقر درآمدی، فقر قابلیتی، طرد اجتماعی و تحلیل محتوا
JEL: I30, J68, O20 طبقه‌بندی

۱. مقدمه

توسعه و مباحث مربوط به آن، بعد از جنگ جهانی دوم و ظهور خیل عظیمی از کشورهای تازه‌استقلال یافته وارد ادبیات سیاسی شد؛ به نحوی که بعد از آن زمان، بر تعداد مطالعات انجام شده در این زمینه افزوده شد و مفهوم آن به سرعت تکامل یافت (میسایی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۳۸). به دلیل تفاوت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورها، همه آنها، به یک حد از مواهب توسعه برخوردار نبوده‌اند؛ به گونه‌ای که از این منظر، کشورها را به سه گروه توسعه یافته، در حال توسعه و کمتر توسعه یافته تقسیم‌بندی می‌کنند (مکنون و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۳۸). اگرچه توسعه در کشورهای توسعه یافته، به مرور زمان و با روند طبیعی صورت گرفته است، اما کشورهای در حال توسعه با اضطرار زمانی مواجه‌اند؛ بر همین اساس، اهداف توسعه‌ای خود را بر اساس برنامه تعیین می‌کنند و درصدد دستیابی به توسعه، به صورت برنامه‌ریزی شده هستند (میسایی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۳۸).

فقر و توسعه دو مفهوم درهم‌تنیده‌اند که می‌توان آنها را دو روی یک سکه دانست. یک اقتصاد توسعه یافته باید عاری از هرگونه فقر باشد. فقر پدیده‌ای چندبُعدی^۱ و پویا^۲ و نمودی از توسعه نیافتگی است. فقر نه یک محصول طبیعی، بلکه محصول ساختار و نظام اجتماعی است. فقر بزرگترین توهین به کرامت انسانی است

1. Multidimensional
 2. Dynamic

که با گذشت بیش از دو دهه از قرن بیست و یک، کماکان، در جوامع غیرصنعتی فراگیر است (Taylor, 2009, p1). گریز از فقر، همچنان، در رأس برنامه‌های توسعه جهان قرار دارد (Guo and et al, 2022, p1). اهمیت مبارزه با فقر و محرومیت به اندازه‌ای است که در اهداف توسعه هزاره^۱ و اهداف توسعه پایدار^۲ به این موضوع پرداخته شده و دکتر حسین عظیمی، انگیزه اصلی پیدایش علم اقتصاد را حذف فقر و ریشه‌کنی محرومیت از جامعه می‌داند (نورمحمدی و صمیمی، ۱۴۰۰، ص ۵۷). از این رو، می‌توان اذعان داشت که فقرزدایی یکی از ارکان اصلی توسعه همه‌جانبه بوده است؛ فلذا، لازم است که در برنامه‌های توسعه، خط سیر باثباتی برای رفع فقر و محرومیت در نظر گرفته شود.

وجود سابقه برنامه‌ریزی در کشور ایران نشان‌دهنده این واقعیت است که ایران در زمره یکی از با سابقه‌ترین کشورها در حوزه برنامه‌ریزی توسعه‌ای است؛ به طوری که تا به امروز، پنج برنامه عمرانی قبل از انقلاب و شش برنامه توسعه‌ای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی را طراحی، اجرا و به اتمام رسانده است. با این همه، شواهد و قرائن حاکی از آن است که به‌رغم تلاش‌های بسیار و طاقت‌فرسا، دستاوردهای ناکافی و بعضاً اندک (به‌ویژه به لحاظ هزینه‌های فرصت منابع مورد استفاده در برنامه‌ها) حاصل شده است (میسانی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۲۰)؛ به گونه‌ای که کشور، به‌رغم دارا بودن منابع طبیعی فراوان، موقعیت خاص جغرافیایی، فرهنگ و تاریخ غنی، با مشکلات عظیمی همچون فقر و طرد اجتماعی درگیر است. رفع فقر و محرومیت از اهداف انقلاب اسلامی ایران بوده و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، با توجه به اصول ۳، ۲۸، ۲۹، ۳۱ و ۴۳ قانون اساسی، یکی از اهداف مهم دولت، برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی و مقابله با فقر و محرومیت در جامعه است. علی‌رغم توجه قانون اساسی به این بیماری شوم سیستمی، امروزه فقر در ایران، یکی از چالش‌های مهم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است و توجه جدی را می‌طلبد.

باتوجه به اینکه کشور در آستانه تدوین برنامه هفتم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار دارد و در این برهه از زمان، جامعه با افزایش دامنه فقر و طرد

1. Millennium Development Goals (MDGs)
2. Sustainable Development Goals (SDGs)

اجتماعی مواجه است^۱، لذا توجه به محتوای برنامه‌های پیشین توسعه، در راستای توجه به فقر و کاهش طرد اجتماعی، ضروری به نظر می‌رسد. از این‌رو، مطالعه حاضر بر آن است که رد پای رفع فقر و طرد اجتماعی که همانا یکی از اهداف اصلی نظام جمهوری اسلامی بوده را در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران دنبال کند. به عبارت دیگر، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که چگونه برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بعد از انقلاب اسلامی، به هدف اصلی نظام جمهوری اسلامی ایران، که همانا رفع فقر و محرومیت است، توجه کرده‌اند؟ و آیا در جهت مبارزه با فقر و محرومیت، حرکت باثباتی را پیش گرفته‌اند؟ در همین راستا، محتوای برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، در راستای توجه به فقر و طرد اجتماعی تحلیل می‌شود. ساماندهی مقاله حاضر بدین گونه است که بعد از مقدمه، در قسمت دوم، ادبیات تحقیق، شامل مبانی نظری و پیشینه پژوهش، ذکر شده و سپس، در قسمت سوم، به معرفی روش تحقیق پرداخته شده است و در قسمت چهارم، یافته‌ها تجزیه و تحلیل می‌شوند و سرانجام، در قسمت پنجم، نتیجه‌گیری ارائه می‌شود.

۲. ادبیات تحقیق

در این بخش، ابتدا مبانی نظری موضوع و سپس، مطالعات خارجی و داخلی انجام شده در ارتباط با موضوع بررسی می‌شود.

۱.۲ چهار چوب نظری

در این قسمت از مطالعه حاضر، مبانی نظری مرتبط با فقر، جهت استخراج مقوله‌های اصلی و فرعی برای تحلیل محتوای برنامه‌های شش‌گانه توسعه جمهوری

۱. مطابق گزارش مرکز آمار ایران، درصد جمعیتی که با کمتر از دو دلار در روز زندگی می‌کنند، در سال ۱۳۹۹ نسبت به سال ۱۳۹۱، حدود ۹٫۸ برابر شده است (مرکز آمار ایران، گزارش هزینه و درآمد خانوار). آمار مربوط به فقر چندبعدی، که از گزارش‌های بانک جهانی استخراج شده است، نیز نشان می‌دهد که فقر چندبعدی در سال ۲۰۱۹ در ایران، نسبت به سال ۲۰۱۳، ۱٫۱۶ برابر شده است (گزارش بانک جهانی، ۲۰۲۲). با وجود نرخ بیکاری بالا و نرخ تورم دو رقمی در سالیان اخیر، عده‌ای به‌خودی‌خود، به دلیل ناتوانی از دسترسی به شرایط زیستی مناسب و از دست دادن عزت نفس، از صحنه اجتماع طرد شده‌اند که با وجود افزایشی بودن روند این دو متغیر کلان، دامنه طرد اجتماعی و محرومیت در جامعه، روزبه‌روز، افزایش می‌یابد.

اسلامی ایران بیان می‌شود که شامل مباحث مربوط به فقر درآمدی، فقر قابلیت‌ی و طرد اجتماعی است. پرداختن به مفاهیم فقر درآمدی و فقر قابلیت‌ی، و سپس مفهوم طرد اجتماعی، به دلیل روندشناسی تحول مفاهیم در بررسی فقر و محرومیت در چند دهه گذشته است.

۱.۱.۲. فقر درآمدی و فقر قابلیت‌ی

نابرابری یکی از مأنوس‌ترین حقایق زندگی اجتماعی است و حتی برای سطحی‌نگرترین ناظران، امری بدیهی است. درعین‌حال، نابرابری اجتماعی مسئله‌ای نیست که به‌سادگی حل یا تبیین شود. نابرابری اجتماعی، به‌طورکلی، به تفاوت‌هایی میان افراد یا جایگاه‌هایی اشاره دارد که به صورت اجتماعی تعریف‌شده و آنها را اشغال کرده‌اند. همین تفاوت جایگاه یا موقعیت اجتماعی است که بر نحوه زندگی افراد، به‌ویژه بر حقوق، فرصت‌ها، پاداش‌ها و امتیازاتی که از آن برخوردارند، تأثیر دارد (گرب^۱، ۱۳۷۳، صص ۹-۱۰). نابرابری، باتوجه‌به تفاوت استعدادها و تلاش‌های افراد، امری اجتناب‌ناپذیر است؛ اما بسیاری از نابرابری‌ها ناشی از این دو عامل نیستند. کامنز، به‌عنوان یکی از اندیشمندان نهادگرا، افراد جامعه را هدفمندانی دانسته که به دنبال نفع شخصی هستند (Ramstad, 2001, p. 257). اگر افرادی که به دنبال نفع شخصی خود هستند، دارای قدرت برابر نباشند، به‌نحوی که افراد دارای قدرت بالا، دیگران را تحت سلطه خود درآورده و فکر و منافع خود را به آنها تحمیل کنند، نابرابری در جامعه به وجود می‌آید که لزوماً، ناشی از تفاوت در استعدادها و تلاش‌های افراد نیست.

فقر قوی‌ترین و شایع‌ترین مصیبتی است که بشر همواره، با آن دست به‌گریبان بوده و جوامع انسانی را گرفتار خود کرده است (گالبرایت^۲، ۱۳۷۱، ص ۱). فقر حاصل نابرابری شدید اجتماعی است و پدیده نامطلوب اقتصادی-اجتماعی تلقی می‌شود. این پدیده، از دیدگاه‌های مختلف نظری و روش‌شناختی، قابل‌فهم و قابل‌اندازه‌گیری است (Roncancio and et al., 2020, p. 2). نخستین تلاش‌های نظام‌مند برای تعریف، اندازه‌گیری و درک آن از قرن نوزدهم آغاز شد. اولین مطالعات کمی، که فقر در آنها برابر با کمبود یا نبود درآمد کافی بود، در نیمه قرن نوزدهم به

1. Grab

2. Galbraith

انجام رسید. در سال ۱۹۹۰، گزارش توسعه جهانی (WDR^۱) فقر را برحسب سطوح درآمد/ مصرف و در دسترس بودن خدمات اجتماعی تعریف کرده است. آن دسته از تعاریف فقر که از شاخص درآمد استفاده می‌کنند، این ایده را انعکاس می‌دهند که انسان برای بقای خود به حداقلی از غذا، سرپناه و پوشاک نیاز دارد. پیشگام این رویکرد، چارلز بوث^۲ و سپس سییم رونتري^۳ بود (هال و میجلی^۴، ۱۳۸۸، ص ۸۵). در این دیدگاه (دیدگاه سنتی از فقر)، فقر عبارت است از محرومیت مادی که با معیار درآمد یا مصرف سنجیده می‌شود. در این دیدگاه، فقر به‌عنوان کمبود درآمد یا مصرفی که یک خانوار دارد، اندازه‌گیری می‌شود (مقیاس پولی یا غیرمستقیم) (Roncancio and et al., 2020, p 2). در این دیدگاه، فقر تنها به سطح درآمد اکتسابی برای تأمین حداقل نیازهای غذایی و سرپناه ارتباط داده می‌شود.

برای محاسبه خط فقر در کشورهای جهان سوم، معمولاً از روش نیازهای اساسی استفاده می‌کنند (محمودی، ۱۳۸۱، ص ۳۰) و مفهوم حداقل هزینه را به کار می‌بندند (طیبیان، ۱۳۷۹، ص. ۲۶۳ به نقل از هزارجریبی و صفری شمالی، ۱۳۹۱، ص ۳۶۳). در واقع، سنگ‌بنای اصلی در طراحی معیارهای محاسبه فقر درآمدی، خط فقر است: برشی از درآمد که پایین‌تر از آن، یک فرد یا خانوار را می‌توان فقیر دانست. خطوط فقر درآمدی در اندازه‌گیری فقر، بر نیازهای مصرفی حداقلی تمرکز دارند و اطلاعات اندکی درخصوص بهداشت، آموزش، مسکن و سایر شرایطی که مشخصه زندگی فقرا است، فراهم می‌آورند (هال و میجلی، ۱۳۸۸، ص ۸۷).

معرفی فقر با معیار درآمد پولی و تلقی آن به‌عنوان کمبود درآمد کافی، موجب می‌شود که مبانی سنجش فقر، و راهکارهای مقابله با آن، بر عنصری به نام درآمد مبتنی شود (محمودی و صمیمی‌فر، ۱۳۸۴، ص. ۱۰). اندازه‌گیری فقر و یا اندازه‌گیری درصد افراد فقیر با استفاده از معیارهای درآمدی، بدین معناست که فقر به معنای فقدان حداقل درآمد و فقیر به معنای کسی است که از این حداقل، درآمد کمتری دارد (همان، ص ۱۳).

-
1. World Development Report
 2. Charles Booth
 3. Seebohm Rowntree
 4. Hall and Midgley

معیارهایی نظیر خط فقر، درصد افراد زیر خط فقر، شکاف فقر و ... که به شناسایی فقیران و تعداد (جمعیت) یا درصد آنها می‌پردازند، بر رویکرد فقر درآمدی دلالت دارند. در این رویکرد، سیاست‌گذاری‌ها عمدتاً متوجه افزایش درآمد بوده و در قالب اقداماتی همچون پرداخت یارانه، جیره‌بندی کالاهای اساسی، بن‌های اعطایی به کارگران و کارمندان، سیاست‌های تثبیت قیمت و ... به انجام می‌رسند. این سیاست‌ها کمی‌گرا بوده و مبتنی بر توزیع مجدد هستند. به‌طور خلاصه و باتوجه‌به آنچه که مطرح شد، فقر درآمدی را می‌توان «فقر به‌مثابه محرومیت از درآمد» تعریف کرد. براین‌اساس، فقیر یعنی ناتوان از تأمین درآمد. معیار فقر در اینجا شکاف درآمدی است و مبارزه با فقر از طریق سیاست‌های حمایتی صورت می‌گیرد. هدف این سیاست‌ها، رساندن حق به فرد بوده و جامعه هدف آنها فقر زودگذر است. رفع فقر در این حالت، شکل کوتاه‌مدت دارد و محدوده فقر نیز، صرفاً درآمد ناکافی است (محمودی و صمیمی‌فر، ۱۳۸۴، صص ۱۵ و ۲۳-۲۴).

رویکردهای درآمدی به فقر، تنها برای کالاها و خدمات ارائه‌شده ارزش قائل‌اند؛ به سنت‌ها و عرف اجتماع و تفاوت بین جوامع بی‌توجه‌اند؛ بین فقر گذرا و مزمن تفاوتی قائل نمی‌شوند؛ تأثیر تفاوت‌های فردی (جنسیت، سن، مهارت و ...) و تغییر شرایط اجتماعی و محیطی (آموزش، امنیت و ...) بر کسب درآمد و استفاده از آن را نادیده می‌گیرند (کانبور و اسکواپر، ۱۳۸۵، صص ۲۲۳-۲۲۶ به نقل از صادقی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۷)؛ بهبود درآمدها را به شکل پایدار مدنظر قرار نمی‌دهند (محمودی و صمیمی‌فر، ۱۳۸۴، ص ۱۶)؛ تغییرپذیری نیازهای واقعی مردم را پنهان می‌کنند (گیدنز، ۱۳۸۱، ص. ۲۷۱)؛ گوناگونی توانایی‌ها و قابلیت‌ها افراد مختلف را به حساب نمی‌آورند (راغفر، ۱۳۸۴، ص. ۲۵۷) و سایر راه‌های اندیشیدن به نابرابری و عدالت را مورد بی‌توجهی قرار می‌دهند (سن، ۱۳۸۵، ص. ۲۲۷).

در سال ۱۹۸۱، مفهوم قابلیت، برای اولین بار توسط آمارتیا سن مطرح شد. این مفهوم، به معنای تحت اختیار داشتن کالاها و ایجاد فرصت در حوزه‌های گوناگون است (De Haan, 2007, p. 190). رویکرد قابلیت‌آمارتیاسن، فقر را نه صرف یک موضوع درآمدی بلکه ناتوانی در کسب حداقل قابلیت‌های معین تعریف می‌کند (Sing and Chudasama, 2020, p. 1). سن (۱۹۹۹) فقر را به محرومیت درآمدی و محرومیت قابلیت‌آمارتیاسن طبقه‌بندی می‌کند. باین‌حال، باید توجه داشت که محرومیت از درآمد و توانایی، اگرچه متفاوت است، اما لزوماً، مستقل از یکدیگر نیستند؛ زیرا

به خوبی مشخص شده است که اگرچه همه قابلیت‌ها توسط درآمد تعیین نمی‌شوند، اما درآمد نقش مهمی در ایجاد قابلیت‌ها دارد.

فقر قابلیت‌ی در سه حوزه، با فقر درآمدی تفاوت دارد. این سه حوزه را می‌توان به تعریفی از فقر، ارزش‌گذاری و سیاست‌گذاری نسبت داد. نگاه قابلیت‌ی به فقر باعث می‌شود که آن را به‌مثابه بی‌بهره بودن از قابلیت‌های فردی و اجتماعی یعنی توانمندی خروج از وضعیت فقر تعریف کنیم. سن، با انتقاد از دو مفهوم فقر نسبی و فقر مطلق، استدلال کرد که فقر را نباید از جنبه ناکافی بودن درآمد بررسی کرد. رویکرد سن، معطوف به قابلیت‌های افراد در دستیابی به عملکردهای ارزشمندی است که زندگیشان را شکل می‌دهد و باعث بهبود آن می‌شود؛ یعنی آزادی افراد در ارتقای آنچه برایش ارزش قائل هستند (سن، ۱۳۷۹، ص ۱۲).

سن دریافت که به جای تمرکز محدود بر درآمد، به‌عنوان متغیر محوری، نظر خود را می‌بایست به عنصر قابلیت معطوف سازد. وی فقر را به صورت محرومیت از قابلیت‌های اساسی در نظر گرفت و نه صرفاً پایین بودن درآمدها که ضابطه متعارف شناسایی فقر است. سن قابلیت را به معنی آنچه که مردم واقعاً قادر به انجام دادن آن هستند، تعبیر می‌کند. بنابراین، چه بودن و یا چه کردن انسان‌ها اهمیت محوری ندارد؛ آنچه مهم است، توانایی بالقوه افراد است برای انتخابی متفاوت از آنچه هستند و آنچه انجام می‌دهند. به‌عبارت‌بهرتر، وضعیت اقتصادی یا اجتماعی که افراد در آن قرار دارند، باید محصول یک انتخاب باشد، نه اجبار. در این معنا، انتخاب زمانی معنا پیدا می‌کند که وضعیت‌های مختلفی برای انتخاب کردن وجود داشته باشد. وضعیت‌های مختلف، بستگی مستقیم به ویژگی‌های شرایطی و محیطی دارد. با این تعبیر، بین فردی که دچار مشکلات فیزیکی یا معلولیت جسمی است، با فردی که دارای بدن سالم است، تفاوت زیادی وجود دارد. سطح مطلوبیت این افراد، باتوجه‌به رویکردهای درآمدمحور، قابل اندازه‌گیری و مقایسه نیست. فرد معلول، در مقایسه با فرد سالم با درآمد مساوی، در وضع نامناسب‌تری به سر می‌برد، زیرا او از یک ضعف قابلیت‌ی (و نه درآمدی) نیز رنج می‌برد. فرد معلول دارای نیازهای خاص است و ممکن است با داشتن درآمد مساوی، از موقعیت ضعیف‌تر و مطلوبیت کمتری برخوردار باشد. بنابراین، سن بر ضرورت تغییر زاویه دید، و نحوه نگرش به اهمیت کالاها برای انسان، تأکید کرد. به‌زعم وی، کالاها از آن رو اهمیت دارند که نیاز انسان را رفع می‌کنند و ارزش یک کالا در رفع نیاز انسان، بستگی زیادی به شرایط فردی و قابلیت‌های او دارد.

در این تعبیر، کتاب برای فرد بی‌سواد، مطلوبیتی ندارد و به‌طور وسیع‌تر، نیازهای افراد مختلف، بسته به خصوصیات فردی، می‌تواند بسیار متفاوت باشد.

روشن است که بسط این مفهوم به حوزه درآمد‌ها، نقاط ضعف متعددی از رویکرد درآمدی در حوزه مفاهیم اقتصادی، به‌خصوص مباحث مربوط به فقر را آشکار می‌سازد. درآمد‌های به ظاهر بالاتر از خط فقر می‌تواند، به دلیل وجود مشکلات بسیار و مصائب خاص، عملاً فرد را در وضعیت فقر نگه دارد (محمودی و صمیمی‌فر، ۱۳۸۴، صص. ۱۷-۱۶). چشم‌انداز قابلیت، این دید منطقی که درآمد پایین یکی از علل فقر است را نفی نمی‌کند. رویکرد قابلیت، فقر را برحسب شاخص‌های انسانی و اجتماعی ارزیابی می‌کند. در این رویکرد، توجه اصلی معطوف بر ارتقای ظرفیت‌های انسانی و کسب توانایی‌های اداره یک زندگی شرافتمندانه است؛ از این‌رو، نه‌تنها به دسترسی بر تغذیه کافی و مسکن مناسب تأکید می‌شود، بلکه توانایی دسترسی به خدمات بهداشتی، آموزشی، مشارکت در تصمیم‌گیری و حفظ عزت نفس را نیز شامل می‌شود. در این رویکرد، درآمد به‌عنوان وسیله دسترسی نه‌تنها به کالاهای اساسی، بلکه همچنین به کالاهای اجتماعی، مورد توجه قرار می‌گیرد. در اینجا تأمین قابلیت‌های اساسی نه‌تنها یک هدف است، بلکه وسیله‌ای است برای تأمین سایر نیازهای زندگی. تأمین ضروریات اساسی زندگی به صورت یک حق همگانی در نظر گرفته شده و نه‌تنها شامل کالاهای مادی می‌شود، بلکه همچنین، شامل کلیه منابع لازم برای تحقق قابلیت‌های فردی، همچون آزادی‌های سیاسی، امنیت فردی و مشارکت در حیات اجتماعی می‌شود (راغفر، ۱۳۸۴، صص. ۹ و ۶).

سن در کتاب توسعه به‌مثابه آزادی مسئله قابلیت انسانی را با آزادی‌های انسانی به صورت مترادف ارائه کرده است. هرچند که جنبه‌های عملیاتی این رویکرد، هنوز، به حد کافی، تبیین نشده است اما افرادی همچون فلاویو^۱ (۲۰۰۱) و الکیر^۲ (۲۰۰۲) در کاربردی نمودن آن تلاش کرده‌اند. یکی از حوزه‌هایی که از نظر مفاهیم، تعاریف و روش اندازه‌گیری و سیاست‌گذاری‌ها تأثیر زیادی از رویکرد قابلیت پذیرفته است، حوزه مباحث مربوط به فقر است. اگر نگاه خود را از متغیرهای کمی چون درآمد و رشد به سمت قابلیت‌ها معطوف نماییم، تعاریف و روش اندازه‌گیری فقر، بسیار متفاوت خواهد بود.

1. Flavio

2. Alkir

هواداران رویکرد قابلیت، همچون روبینز^۱ (۲۰۰۲)، قابلیت را به دو نوع قابلیت پایه و قابلیت بنیادی تقسیم نمودند. قابلیت پایه مواردی همچون سواد، آموزش، سلامتی و ... را در برمی‌گیرد و قابلیت‌های بنیادی، به معنی وجود شرایطی است که توانایی لازم و مناسب برای رها شدن از قحطی و گرسنگی و سوءتغذیه، سواد، امکان مشارکت در زندگی اجتماعی، داشتن سرپناه، امکان مسافرت و ... را فراهم می‌آورد. به یک معنا، می‌توان برخوردار نبودن از تمامی این موارد را فقر قابلیت نامید، که فقر درآمدی نیز، یکی از آنهاست. ممکن است مفهوم قابلیت پایه به رویکرد نیازهای اساسی و مفهوم قابلیت بنیادی به بحث وجود فرصت نزدیک باشد، اما به دلایل متعددی، این مفهوم مستقل از دو موضوع فوق است.

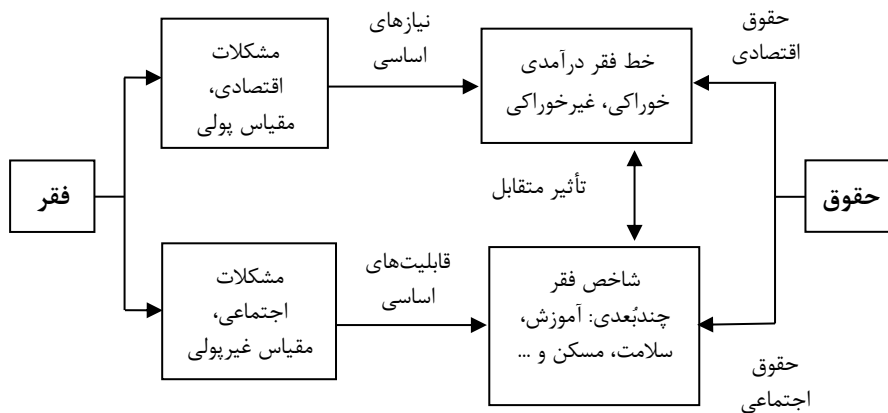
به‌زعم آمارتیا سن هرکس موفق به رسیدن به سطح مطلق برای کسب حداقل قابلیت‌های مادی مناسب با جامعه نشود، بدون توجه به موقعیت نسبی‌اش در مقابل دیگران، فقیر خواهد بود (سن، ۱۹۸۵، ص ۱۰). بنابراین موضوع فقر، مسئله درآمد نیست؛ بلکه شکست خوردن در کسب حداقل قابلیت‌های معین است. در این دیدگاه، فقر به‌مثابه محرومیت از قابلیت‌های فردی و اجتماعی تعریف می‌شود و اساساً، فقر فقدان قابلیت است و بدیهی است که راه‌حل آن نیز، می‌باید در رشد قابلیت‌های انسانی جستجو شود.

جدول ۱: تفاوت‌های نگاه درآمدی و قابلیت‌ی به موضوع فقر

فقر درآمدی	فقر قابلیت‌ی	
فقر به‌مثابه محرومیت از درآمد	فقر به‌مثابه محرومیت از قابلیت	تعریف فقر
ناتوان از تأمین درآمد	ناتوان از خروج از وضعیت فقر	فقیر
شکاف درآمدی	شکاف قابلیت‌ی	معیار فقر
سیاست‌های حمایتی	رشد قابلیت فردی - توانمندسازی	مبارزه با فقر
کوتاه‌مدت	بلندمدت	رفع فقر
درآمد ناکافی	درآمد کم، بهداشت کم، سواد کم	محدوده فقر
رساندن حق به فرد	رسیدن فرد به حق	هدف
فقر زودگذر	فقر مزمن	جامعه هدف

مأخذ: محمودی و صمیمی‌فر (۱۳۸۴).

چارچوب مفهومی تحلیل فقر، در قالب نمودار ۱ نشان داده شده است:



نمودار ۱: چهارچوب مفهومی تحلیل فقر

مأخذ: Wang and et al., 2016

همان‌طور که نمودار ۱ نشان می‌دهد، فقر درآمدی و فقر قابلیت‌ها، اگرچه متفاوت هستند، اما لزوماً، مستقل از یکدیگر نیستند. فقر درآمدی مبتنی بر رویکرد نیازهای اساسی است؛ درحالی‌که فقر چندبُعدی مبتنی بر رویکرد قابلیت‌های اساسی است. فقر درآمدی نشان‌دهنده فقر پولی است؛ درحالی‌که فقر چندبُعدی جنبه‌های غیرپولی فقر را منعکس می‌کند (World Bank, 2009). کسانی که برای اندازه‌گیری فقر، به استفاده از فقر چندبُعدی اصرار دارند، به دو دسته تقسیم می‌شوند. گروه اول معتقدند که درآمد یکی از ابعاد فقر چندبُعدی است که به همراه آموزش، بهداشت و استانداردهای زندگی، فقر چندبُعدی را تشکیل می‌دهد (Whelan et al., 2012., Santos, 2013., Dhongde and Haveman, 2014). گروه دیگر معتقدند که فقر چندبُعدی مکمل فقر درآمدی است و بر جنبه‌های غیرپولی فقر تمرکز دارد (Haughton and Khandker, 2009). همان‌طور که مشخص است، فقر قابلیت‌ها نسبت به فقر درآمدی دامنه وسیع‌تری را در بر می‌گیرد.

۲.۱.۲. طرد اجتماعی^۱

طرد اجتماعی اصطلاحی است که تعریف آن آسان نبوده و مفهوم آن را می‌توان در اندیشه‌های کارل مارکس و ماکس وبر ریشه‌یابی کرد (Burchardt and et al., 2002, p. 2). پیش از آنها نیز، آدام اسمیت و در زمان‌های گذشته، ارسطو نیز، مفاهیمی نزدیک به طرد اجتماعی را پیش کشیدند؛ به طوری که هر دو اندیشمند، فقدان انتخاب فردی و یا نبود آزادی برای دست زدن به انتخاب را ناشی از طرد اجتماعی دانستند (Pierson, 2002, p 4). به طور کلی، طرد اجتماعی فرآیندی پویا است که در نتیجه آن، گروه‌های اجتماعی و افرادی مشخص از اجتماع طرد و به حاشیه رانده می‌شوند (بلیک‌مور^۲، ۱۳۸۵: ۴۳۵). از نظر هال و میجلی، طرد اجتماعی به مفهوم محرومیت برخی از گروه‌های جامعه از سطح قابل‌قبولی از زندگی یا مشارکت ضروری اجتماعی و سیاسی است (هال و میجلی، ۱۳۸۸: ۴۵۶). سن، طرد اجتماعی را شکست در کسب سطوحی از قابلیت در اشکال مختلف کارکردی می‌داند (سن، ۱۹۸۵ به نقل از غفاری و تاج‌الدین، ۱۳۸۴، ص ۷). طرد اجتماعی به حالتی اطلاق می‌شود که در آن شهروندان، به دلیل ویژگی‌های خود، اجازه ایفای نقش در جامعه را ندارند (González and et al., 2021, p.217).

طرد اجتماعی گسستن پیوند اجتماعی افراد و جامعه از طریق انزوای فرهنگی است. فقرا و بیکاران عمدتاً از اقلیت‌های قومی هستند که به عنوان بیگانه^۳ شناسایی می‌شوند (Gangopadhyay and et al., 2014, p. 242). مرکز تحلیل طرد اجتماعی دانشکده اقتصاد لندن^۴ طرد اجتماعی را این گونه تعریف می‌کند: اگر فردی در فعالیتهای کلیدی جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند شرکت نکند، از نظر اجتماعی طرد می‌شود. این تعریف تأکید می‌کند که مشارکت نداشتن فرد حذف شده به دلیل محدودیت است، نه انتخاب فعال (Zhang and et al., 2021, p 2). فرآیند پویای ممانعت از ورود کامل یا جزئی به هرگونه نظام اجتماعی، اقتصادی، سیاسی یا فرهنگی، که انسجام اجتماعی شخص در جامعه را تعیین می‌کند، اشاره به طرد اجتماعی دارد. لازم به ذکر است که این ممانعت، با عملکرد ناکارا یکی یا بیش از یکی

1. Social Exclusion

2. Blakemore

3. Outsider

4. The Social Exclusion Analysis Center of the London School

از این نظام‌ها هم‌بسته است: نظام دموکراتیک و قانونی، نظام رفاهی، بازار کار و نظام خانواده و اجتماع محلی (فلوتن^۱، ۲۰۰۶ به نقل از فیروزآبادی و صادقی، ۱۳۹۲، ص ۲۷). طرد اجتماعی هم وضعیتی از محرومیت و هم فرآیند پدیدآورنده این محرومیت است که به‌رغم دارا بودن ارتباط تنگاتنگ با مفهوم فقر چندبعدی، با آن هم‌پوشانی ندارد. با آنکه هر دو مفهوم، متأثر از رویکرد قابلیت‌سن هستند، اما در رویکرد طرد اجتماعی، ناکامی اجتماعی یا عملکردی پُررنگ‌تر است (ابراهیمی، ۱۳۹۳، ص ۴۷).

بنابراین، طرد اجتماعی را می‌توان بر حسب چهار مؤلفه تعریف و تبیین کرد. این چهار مؤلفه عبارت‌اند از: حقوق شهروندی، دسترسی به فرصت‌ها، مشارکت و بی‌قدرتی که در ادامه، هریک از این مؤلفه‌ها، به‌اختصار، شرح داده می‌شود: الف) حقوق شهروندی: محرومیت کامل یا جزئی از حقوق سیاسی، مدنی و اجتماعی یک شهروند؛ ب) دسترسی به فرصت‌ها: مطرودان علاوه بر محرومیت از کالاها، استانداردهای زندگی و انتخاب‌ها و شانس‌های زندگی سایر افراد جامعه، در دوره قابل‌توجهی از زندگیشان از نهادها، خدمات اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی و فرصت‌های توسعه‌ای اکثر افراد جامعه نیز محروم هستند؛ ج) مشارکت: کنار گذاشته شدن تدریجی و مداوم افراد، خانواده‌ها و گروه‌ها از مشارکت کامل در امور اجتماعی شامل امور نمادین و مادی، تولید، عرضه، بهره‌برداری از منابع جامعه برای تأمین معاش و سازمان‌دهی زندگی (Miller, 2007, p 3)؛ د) بی‌قدرتی: طرد اجتماعی به‌عنوان فقدان توانمندی در سطح فردی و وجود موانع ساختاری در سطح اجتماعی تعریف می‌شود و همچنین، به توزیع نابرابر قدرت در جامعه نسبت داده می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۹۳، ص ۴۷).

طرد اجتماعی، علاوه بر خصلت طولی (مبتنی بر مدت زمان محرومیت)، ویژگی دایره‌وار نیز دارد؛ یعنی عوامل پدیدآورنده طرد اجتماعی، خود برآمده از طرد اجتماعی هستند (Parodi and Sciulli, 2012). طرد اجتماعی در نقطه مقابل شمول اجتماعی قرار دارد و با پدیده‌هایی همچون قومیت، جنسیت، آسیب‌پذیری، فقدان امنیت شغلی، ناتوانی جسمی، بی‌قدرتی، تبعیض و حتی عوامل روان‌شناختی نظیر ترس، نداشتن عزت نفس، کمبود اعتماد به نفس و ... به فراسوی فقر راه می‌برد. مفهوم طرد اجتماعی، ناظر به این پرسش است که چرا برخی افراد نمی‌توانند در

اقتصاد و جامعه مدنی مشارکت کنند و چه عوامل و نهادهایی طرد، شمول و رهایی را رقم می‌زنند (غفاری و امید، ۱۳۹۰، ص ۲۲۵).

از میان ابعاد مختلف طرد اجتماعی، هفت بُعد آن برجسته‌تر هستند: ۱. فردی (نظیر فقدان سلامت ذهنی و فیزیکی و تحصیلات پایین)؛ ۲. اجتماعی (مانند بی‌خانمانی و ارتکاب جرم)؛ ۳. اقتصادی (مثل بیکاری بلندمدت و فقر درآمدی)؛ ۴. سیاسی (مثلاً فقدان حقوق سیاسی یا بی‌اعتمادی به فرآیندهای سیاسی)؛ ۵. مسائل مرتبط با محل زندگی (مثل تخریب محیط‌زیست)؛ ۶. فضایی (حاشیه شدن گروه‌های آسیب‌پذیر)؛ ۷. گروهی (تجمیع ویژگی‌های ذکر شده قبلی در گروه‌هایی خاص همچون معلولان، سال‌خوردگان و اقلیت‌های قومی) (Bonner, 2006, pp 3-4). بدین ترتیب، مفهوم طرد اجتماعی، با تأکید بر مخاطرات برآمده از شکاف‌های موجود در بافت اجتماعی، به پیامدهایی فراتر از نابرابری اجتماعی می‌پردازد و خطر یک جامعه از هم‌گسیخته را گوشزد می‌کند (غفاری و امید، ۱۳۹۰، ص ۲۲۹).

همان‌طور که از مباحث بالا بر می‌آید، فقر قابلیت و طرد اجتماعی دامنه وسیع‌تری از فقر را دربر گرفته که صرف اعمال سیاست‌های حمایتی، که در راه مبارزه با فقر درآمدی به کار گرفته می‌شود، کارساز نخواهد بود. باتوجه به ارتباط تنگاتنگ فقر قابلیت و طرد اجتماعی با رشد فراگیر، راه درمان فقر قابلیت و طرد اجتماعی را می‌توان در رشد فراگیر جستجو کرد. رشد فراگیر یکی از دغدغه‌های اصلی کشورها در ادبیات توسعه و سیاست‌گذاری است. رشد فراگیر دارای مفهومی فراتر از رشد گسترده است. رشد (افزایش تولید اقتصادی و درآمد) شرط لازم و نه کافی برای رشد فراگیر است (Klasen, 2010, p. 2). در واقع رشد فراگیر، رشد اقتصادی بالا با پایه گسترده است که در آن فقرا، نه تنها از مزایای آن نفع می‌برند بلکه، در فرآیند رشد نیز مشارکت می‌کنند. فراگیر بودن رشد، فضیلت دوگانه گسترش فضای اقتصادی و فرصت‌های اجتماعی را به دنبال دارد. اگر روند رشد اقتصادی فرصت‌های شغلی مولد، تحرک و انباشت دارایی‌ها و سرمایه را برای جمعیت روبه‌رشد ایجاد نکند، حتی اقتصادهایی با نرخ رشد چشمگیر نیز، نمی‌توانند به کاهش فقر به صورت پایدار دست یابند. بنابراین، خصوصیات و پایداری نرخ رشد اقتصادی، به اندازه خود رشد اقتصادی، برای کاهش فقر مهم است. رشد اقتصادی پایدار می‌تواند به صورت پایدار، فقر را کاهش دهد. به عبارت دیگر، رشد فراگیر به عنوان رشدی که نه تنها فرصت‌های اقتصادی جدید ایجاد می‌کند، بلکه همچنین،

دسترسی برابر به فرصت‌های ایجادشده برای تمام بخش‌های جامعه، به‌ویژه برای فقرا را تضمین می‌کند (Ali and Son, 2007, p. 11). رشد فراگیر، با متمرکز شدن بر روی نتیجه و فرآیند، تضمین می‌کند که همه افراد می‌توانند در رشد و سازمان‌دهی رشد مشارکت کنند. فراگیر بودن به معنای مستثنا نکردن هیچ گروه خاصی از فرآیند رشد است. کلاسن در فراگیر بودن رشد، نبود تبعیض را دخیل می‌داند که هیچ فرد یا گروهی از مشارکت در فرآیند رشد محروم نشوند و دسترسی مساوی و غیرتبعیضی به رشد فراهم باشد تا همه افراد، مشارکت مولد در اقتصاد داشته باشند و در منافع رشد سهیم شوند (Klasen, 2010, p. 3).

رشد فراگیر تحقق رشد پایداری است که فرصت‌های اقتصادی را ایجاد و گسترش دهد و دسترسی گسترده‌تر به این فرصت‌ها را تضمین کند که در اثر آن، اعضای جامعه بتوانند در رشد مشارکت کنند و از رشد منتفع شوند (Mckinley, 2010, p. 13). مک‌کینلی^۱ (۲۰۱۱) تعریف کاملی از رشد فراگیر ارائه داده است. وی در تعریف رشد فراگیر، مفاهیمی همچون رشد اقتصادی پایدار، مبارزه با نابرابری، اشتغال بهره‌ور، توانمندسازی، مبارزه با نابرابری جنسیتی، دسترسی به زیرساخت‌ها، تأمین اجتماعی، خدمات اجتماعی پایه و حکمرانی خوب را مدنظر قرار داده است (Mckinley, 2011). علی و ژوانگ^۲ رشد فراگیر را رشدی با فرصت‌های برابر تعریف می‌کنند. رشد فراگیر هم بر ایجاد فرصت و هم بر در دسترس قرار دادن فرصت‌ها برای همه افراد جامعه متمرکز است. رشد، زمانی فراگیر است که به همه اعضای جامعه اجازه دهد، بدون در نظر گرفتن شرایط فردی در روند رشد، به‌طور مساوی، شرکت کرده و در آن سهیم باشند.

باتوجه به مطالعات تجربی، ارتباط مستقیمی بین رشد فراگیر و کیفیت نهادها وجود دارد. به‌طور کلی، تعیین‌کننده اصلی سطح توسعه هر کشور، کیفیت نهادهای آن کشور است (Rodrik, 2000). از نظر کافمن و همکاران^۳ (۲۰۰۵) عملکرد ضعیف کشورها از نظر شش شاخص مشارکت و پاسخ‌گویی^۴، ثبات سیاسی^۵، اثربخشی

1. Mckinley

2. Ali and Zhuang

3. Kaufmann and et al.

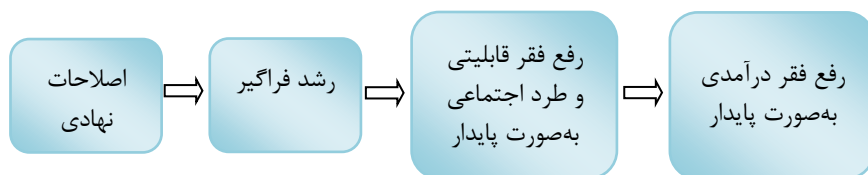
4. Participation and accountability

5. Political stability

قدرت عمومی^۱، کیفیت مقررات^۲، حاکمیت قانون^۳، و کنترل فساد^۴ بر فراگیری رشد آنها تأثیر می‌گذارد (Kaufmann and et al., 2005).

از این رو، کشورها با اصلاح کیفیت نهادهای خود، قادر به دستیابی به رشد فراگیر خواهند بود. با توجه به اینکه کیفیت پایین نهادهای تأثیر منفی بر اقتصاد کشورهای فقیر و بر برخی از کشورهای توسعه‌یافته از طریق افزایش هزینه‌های مبادلاتی دارد، ضرورت ارتقای کیفیت نهادهای یکی از الزامات کشورها جهت دستیابی به رشد فراگیر است (Wilfried, 2021, p 14).

با توجه به مباحث بالا، که در قالب شکل ۱ به نمایش درآمده است، رفع طرد اجتماعی، فقر قابلیت‌ی و فقر درآمدی نیازمند بستری مناسب برای رشد فراگیر بوده که آن بستر نیز، با اصلاحات نهادی فراهم می‌شود.



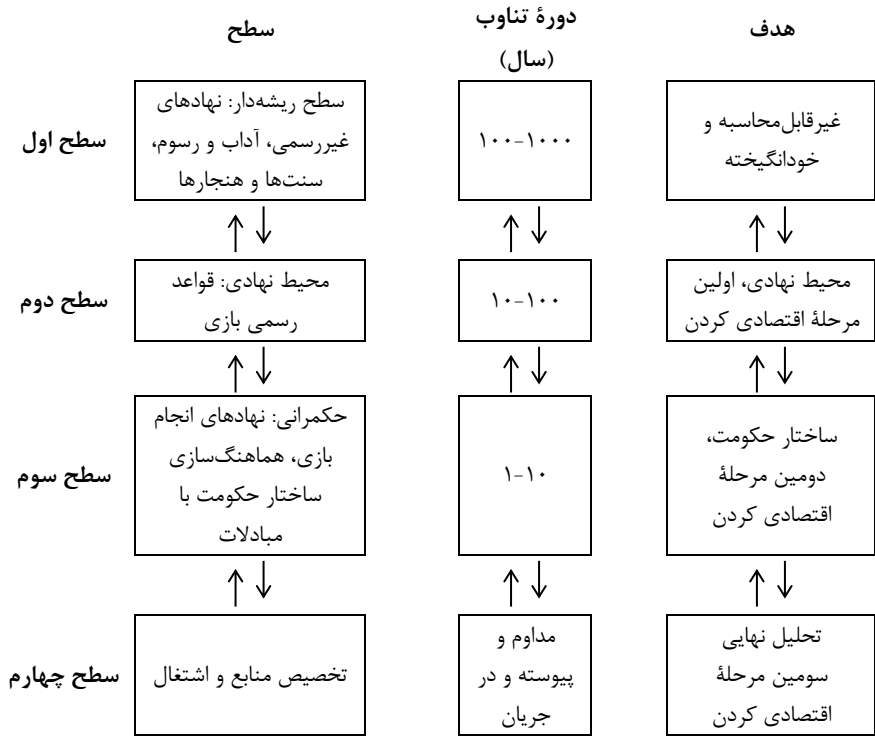
شکل ۱: فرآیند کاهش رفع طرد اجتماعی، فقر قابلیت‌ی و فقر درآمدی به صورت پایدار

مأخذ: یافته‌های تحقیق

ویلیامسون^۵ یکی از اندیشمندان نهادگرا، برای توضیح مسئله اصلاحات نهادی، نظریه چهار سطح تحلیل اجتماعی^۶ را ارائه داده است که جهت کسب چشم‌انداز کلی، در قالب شکل ۲، به نمایش درآمده است^۷:

1. Effectiveness of public power
2. Quality of regulation
3. Rule of law
4. Control of corruption
5. Williamson
6. Four Levels of Social Analysis

۷. فلش‌هایی که سطوح بالا را به پایین متصل می‌کنند، بیانگر تحمیل قیود از سطوح بالا به پایین هستند و فلش‌های برعکس، که سطوح پایین را به بالا متصل می‌کنند، نشان‌دهنده بازخورد هستند.



شکل ۲: چهار سطح تحلیل اجتماعی

مأخذ: Williamson, 2000, p 597.

سطح اول (سطح بالا) سطح ریشه‌دار^۱ اجتماعی است که دین، عادات، آداب و رسوم، سنت‌ها و هنجارها و ... در آن جای دارند. نهادها در این سطح، به آرامی تغییر کرده، به طوری که ممکن است تغییر آنها قرن‌ها و حتی یک هزاره به طول انجامد. سطح دوم محیط نهادی است. فراتر از محدودیت‌های (نهادهای) غیررسمی، قواعد رسمی، همچون قانون اساسی^۲، قوانین عادی^۳ و قوانین مربوط به حقوق مالکیت^۴، در این سطح جای می‌گیرند. قیود و محدودیت‌های ذکر شده در سطح اول، بر ابزارهای سطح دوم، که شامل ابزارهای اجرایی، قانونی، قضایی و بوروکراتیک دولت و

1. Embeddedness level
2. Constitution
3. Laws
4. Property rights

همچنین توزیع قدرت در سطوح مختلف حکومت است، تأثیر می‌گذارد. تعریف و اجرای حقوق مالکیت، که تضمینش لازمه رشد فراگیر است، از ویژگی‌های مهم این سطح است. روایتی غنی از این بحث این است که «یک سیستم مالکیت خصوصی نمی‌تواند عملکردی مناسب داشته باشد؛ مگر اینکه حقوق مالکیت در منابع ایجاد شده باشد و وقتی این کار انجام شد، کسانی که تمایل به استفاده از منبعی را دارند، باید بهایش را به صاحب آن بپردازند». در این صورت است که هرچ و مرج^۱ ناپدید می‌شود. وقتی که حقوق مالکیت تعریف شد و الزام اعمال آن تضمین گردید، منابع به بهترین وجه تخصیص می‌یابد. سطح سوم نهادهای حکومتی و حکمرانی را در خود جای می‌دهد. تغییرات عمده در این سطح، طی یک ده سال، امکان‌پذیر است. سطح چهارم به سطح تخصیص منابع و اشتغال مربوط است. بدیهی است اگر کارکرد سطح اول، دوم و سوم به‌درستی باشد، تخصیص منابع و اشتغال نیز، به بهترین نحو ممکن، صورت می‌گیرد (Williamson, 2000, pp. 596-600). لازم به ذکر است که اصلاحات نهادی، در هریک از سطوح دوم و سوم که سطوح مربوط به قواعد رسمی و حکمرانی هستند، منجر به فراگیر شدن رشد و رفع فقر و محرومیت از جامعه می‌شود.

۲.۲. پیشینه تحقیق

تحقیقات انجام شده در زمینه فقر و محرومیت قابل توجه بوده که در ذیل، به اختصار، به آنها پرداخته می‌شود:

۱.۲.۲. مطالعات خارجی

ایمادی و عبدالله^۲ (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای، با استفاده از رویکرد کیفی و با تکیه بر داده‌های ثانویه مرتبط و تحلیل محتوا، به بررسی برخی از پروژه‌های کاهش فقر شرکت‌های چندملیتی نفت ایالت دلتا در نیجریه پرداخته‌اند. این مطالعه استدلال می‌کند که شرکت‌های چندملیتی نفت، باتوجه به مسئولیت اجتماعی خود، کمک زیادی به توسعه جوامع محلی در مناطق عملیاتی خود کرده‌اند که به تبع آن، رشد اقتصادی نیجریه افزایش پیدا کرده است. با این حال، اکثریت قریب به اتفاق جمعیت

1. chaos

2. Amadi & Abdullah

منطقه در فقر زندگی می‌کنند. مطالعه حاضر توصیه می‌کند که دولت، با استفاده از ثروت هنگفتی که توسط شرکت نفت برایش ایجاد می‌شود، تلاش‌های شرکت نفت در منطقه و در سراسر کشور را تکمیل کند.

شوکری^۱ و همکاران (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای با عنوان «یادداشتی در مورد فقر، رشد و رابطه نابرابری: شواهدی از کشورهای آفریقای جنوبی» رابطه بین رشد، نابرابری و فقر را در پانلی، متشکل از ۴۲ کشور آفریقای جنوبی، بررسی کرده‌اند. این مطالعه مفهوم نسبتاً جدیدی از رشد فقرزدا را ارائه می‌دهد. محققان این مطالعه، با ارائه شاخصی مبنی بر مساوات و برابری، به بررسی داده‌های مورد نظر می‌پردازند. نتایج این مطالعه، حاکی از رابطه خطی منفی و مجانبی بین میانگین درآمد جامعه مورد بررسی و سطح نابرابری است.

ایمو^۲ (۲۰۱۷) در مقاله‌ای، با استفاده از تحلیل محتوا، به بررسی میزان بروز فقر و بررسی راهبردهای مختلف به کار گرفته شده در کاهش فقر پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که فقر در نیجریه، از زمان استقلال، در حال افزایش بوده است و در سال ۱۹۹۲ کاهش یافته و دوباره، به‌طور پیوسته، افزایش یافته است. دولت‌های فدرال و ایالتی نیجریه، در تلاش برای مبارزه با فقر، استراتژی‌های کاهش فقر مختلفی، از جمله برنامه کاهش فقر ملی، اهداف توسعه هزاره و اهداف توسعه پایدار را اتخاذ کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد این راهبردها در کاهش بروز فقر مؤثر نبوده است؛ زیرا نتوانسته‌اند به این پدیده از ریشه حمله کنند. بنابراین، توصیه می‌شود که نیجریه از استراتژی‌های اتخاذ شده توسط سوسیال دموکراسی‌های اروپایی برای مبارزه با فقر بیاموزد که از ارائه رشد مؤثر کودکان، آموزش عمومی با کیفیت بالا برای همه، سیستم رفاهی متمرکز از طریق مالیات‌های تدریجی تا مراقبت کافی برای افراد مسن شروع می‌شود.

نیو^۳ و همکاران (۲۰۲۰) در مطالعه «اندازه‌گیری فقر شهری با استفاده از داده‌های چندمنظوره و الگوریتم جنگل تصادفی: مطالعه موردی گوانگژو» به اندازه‌گیری فقر در مناطق شهری گوانگژو پرداخته‌اند و معتقدند که جمع‌آوری داده‌های چندمنظور از طریق رسانه‌های اجتماعی، به‌عنوان یک منبع جایگزین مناسب از داده‌های

1. Shoukri
2. Imo
3. Nio

سرشماری یا آمارهای جمع‌شده، بسیار کاربردی است؛ چون با یک چرخه به‌روزرسانی کوتاه اطلاعات لازم را ارائه می‌دهند. آنها در این مطالعه به محاسبه شاخص‌های مادی، اقتصادی و معیشتی که ارتباط شدیدی با فقر دارند، پرداخته‌اند.

۲.۲.۲. مطالعات داخلی

محمودی و همکاران (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای، به تجزیه تغییرات فقر به دو عامل رشد و بازتوزیع، طی برنامه‌های دوم و سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که نرخ فقر در نقاط شهری و روستایی، در هر دو برنامه توسعه، کاهش یافته است. سنجه شکاف فقر طی هر دو برنامه، سیر نزولی داشته است که این کاهش، در برنامه سوم بیشتر است. طی برنامه دوم، کاهش سه سنجه نرخ فقر، شکاف فقر و حساسیت-توزیع فقر در مناطق روستایی، بیشتر از عوامل بازتوزیع بوده و رشد اقتصادی تأثیر کمتری بر کاهش این سه شاخص داشته است. در برنامه سوم توسعه، کاهش دو سنجه نرخ فقر و شکاف فقر در مناطق روستایی، بیشتر ناشی از عامل رشد اقتصادی بوده، هرچندکه عامل بازتوزیع نیز، در کاهش آنها مؤثر بوده است.

زاهدی‌اصل و بساطیان (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای، با رویکرد اسنادی و کتابخانه‌ای، به بررسی مسائل و مشکلات فقر در ایران پرداخته‌اند. در این مطالعه، با مراجعه به مطالعات و آگاهی از چگونگی تغییرات میزان فقر، به بررسی عملکرد برنامه‌های فقرزدایی در ایران پرداخته شده است تا بتوان، با طرح جدیدترین نظریه‌های مطرح شده در ارتباط با فقرزدایی، به کاستی‌های برنامه‌ها و سیاست‌های اجتماعی مبارزه با فقر در ایران پرداخت. نتایج حاکی از آن است که بیشتر متون به افزایش فقر اشاره دارند و برنامه‌های فقرزدایی در ایران، به دلیل نبود شناخت از واقعیت فقر، چندان توفیق نیافته‌اند.

ابراهیمی (۱۳۹۳) روند تحولات مفهومی فقر و محرومیت در چند دهه گذشته را مورد بررسی قرار داده است. نویسنده در این مطالعه، نابسندگی و محدودیت‌های مطالعات رایج را خاطر نشان کرده و این محدودیت‌ها را عامل تغییر رویکرد از فقر درآمدی به سمت فقر قابلیت‌ی و طرد اجتماعی می‌داند. جان‌مایه بحث این مطالعه این است که کاهش فقر، به‌عنوان مهم‌ترین هدف سیاست‌گذاری اجتماعی، جنبه‌هایی فراتر از اقتصاد و بازار را دربرمی‌گیرد و ناظر به سویه‌های مختلف کیفیت

زندگی است. با آنکه گفتمان مسلط مقابله با فقر در جامعه ایران اقتصادمحور است؛ اما در مطالعه حاضر تأکید بر این است که ایده طرد اجتماعی، بدون آنکه یکسره جای رویکردهای سنتی مبارزه با فقر را بگیرد، سازوکار مناسب‌تری برای بررسی و کاستن از فقر و محرومیت شدید گروه‌های آسیب‌پذیر در جامعه است.

الوانی و همکاران (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای، به بررسی دلایل اثربخش نبودن عملکرد سیستم خط‌مشی‌گذاری ایران در زمینه فقرزدایی پرداخته‌اند. در این مطالعه، ابتدا، براساس فرضیه‌های سه‌گانه پژوهش، مهم‌ترین علل احتمالی اثربخش نبودن عملکرد سیستم خط‌مشی‌گذاری کشور در زمینه فقرزدایی، در قالب سه مؤلفه کوتاهی و غفلت خط‌مشی‌گذاران، ناکارآمدی سیستم خط‌مشی‌گذاری و پیچیدگی و گسترش مسئله فقر مطرح شده و پس از آن، با مراجعه به خبرگان و کسب آرای آنان، صحت فرضیه‌های تحقیق بررسی شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که هر سه عامل فوق، بر اثربخش نبودن عملکرد سیستم خط‌مشی‌گذاری در زمینه فقرزدایی، مؤثر بوده‌اند؛ اما نقش و تأثیر مؤلفه ناکارآمدی سیستم خط‌مشی‌گذاری بیش از دو عامل دیگر است.

مولایی و رحیمی‌راد (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای به بررسی وضعیت فقر در خانوارهای روستایی ایران، طی پنج برنامه توسعه اقتصادی ایران، در سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۹۲ پرداخته‌اند. در این راستا، با استفاده از داده‌های هزینه‌و درآمد خانوارهای روستایی، برگرفته از مرکز آمار ایران، ابتدا خط فقر طی سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۹۲، با استفاده از هشت گروه کالایی، به روش سیستم مخارج خطی (LES) و با استفاده از نظریه حداقل عادات نسبی (HLES) محاسبه شد. سپس، با استفاده از شاخص‌های سنجش فقر، وضعیت فقر در مناطق روستایی مورد مطالعه قرار گرفت. نتایج تحقیق حاکی از آن است که طی سال‌های مورد مطالعه، گرچه خط فقر در خانوارهای روستایی ایران دارای رشد متوسط ۲۱/۳ درصد بوده است؛ لیکن میزان و اندازه فقر در روستاها روند نزولی داشته است و شکاف فقر و شدت آن کاهش یافته است؛ بنابراین، عملکرد دولت‌ها در کاهش فقر نسبی، طی پنج برنامه توسعه اقتصادی، نسبتاً موفقیت‌آمیز بوده است.

ثناپی‌اعلم و همکاران (۱۳۹۵) به طراحی مدل اجرای خط‌مشی‌گذاری فقرزدایی در ایران پرداخته‌اند. مطالعه حاضر، عوامل مؤثر بر اجرای خط‌مشی‌های فقرزدایی در سه عرصه خط‌مشی‌گذاری، نهادی و عرصه خرد را طبقه‌بندی کرده است. در این

مطالعه، با استفاده از روش دلفی، و با اتکا به مبانی نظری، اقدام به شناسایی و تأیید اعتبار محتوای ۸۵ شاخص مؤثر بر اجرای خط‌مشی فقرزدایی شده است. یافته‌های دلفی نشان داد که از بین شاخص‌های اولیه، ۲۱ مؤلفه حذف شده و ۶۴ مؤلفه، به‌عنوان مؤلفه‌های مؤثر بر اجرای خط‌مشی فقرزدایی، مورد توافق قرار گرفته است. همچنین، تحلیل فازی یافته‌های پژوهش نشان داد که از بین ۶۴ شاخص به‌دست‌آمده، تعداد ۲۹ شاخص اثر معتبری بر متغیر وابسته گذاشته که شاخص‌های پذیرفته‌شده، به‌ترتیب ضریب تأثیرگذاری، چهار عامل محیطی کلان، روابط افقی بین‌سازمانی، تأثیر بازخورد جمعیت هدف و درنهایت، متغیر شکل‌گیری خط‌مشی را شکل داده‌اند. براساس نتایج، پیشنهاد می‌شود که دولت در عرصه سیاست‌گذاری، به صورت اقتداری، وارد عمل شده و در عرصه خرد، رویکرد تعاملی، ترغیبی و مبتنی بر مشارکت اتخاذ کند.

سالم و همکاران (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای، به اندازه‌گیری فقر با رویکرد چندبُعدی در طول سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۹۲ پرداخته‌اند. در این مطالعه، با استفاده از روش آلکیر و فوستر، ۱۰ شاخص، در سه بُعد آموزش، سلامت و تسهیلات زندگی، مورد بررسی قرار گرفت. محاسبه شاخص آلکیر فوستر، که با استفاده از داده‌های مستخرج از طرح هزینه‌درآمد خانوارهای شهری و روستایی ایران، طی سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۹۲ به‌کار بسته‌شده است، نشان داد که فقر چندبُعدی، در مناطق شهری و روستایی ایران، با کاهش مواجه بوده که البته شدت این کاهش، در مناطق روستایی، به شکل قابل توجهی، بیشتر است.

اشرفی و همکاران (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای، رابطه متقابل رشد اقتصادی، نابرابری و فقر را طی سال‌های برنامه دوم تا پنجم توسعه، مورد ارزیابی قرار داده‌اند. در این مطالعه، به بررسی این موضوع پرداخته‌اند که آیا فقرا از رشد اقتصادی بهره‌مند شده‌اند یا خیر؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که فقر در برنامه‌های دوم و سوم، در مناطق شهری، کاهش یافته است در حالی که در برنامه‌های چهارم و پنجم، روند فقر، افزایشی بوده است.

گیروانی و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای، به تحلیل پویایی فقر در مناطق شهری ایران پرداخته‌اند. در این مطالعه، ابتدا، خط فقر مطلق مناطق شهری کشور، در سال‌های ۱۳۹۱، ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵، محاسبه و با استفاده از روش داده‌های تابلویی ترکیبی، بررسی وضعیت تحرک فقر در سال‌های مذکور، محور مطالعه قرار گرفته

است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که نوعی وابستگی حالت در وضعیت فقر مناطق شهری وجود دارد؛ به طوری که بیش از ۸۰ درصد خانوارهایی که در سال‌های اول (۱۳۹۴ و ۱۳۹۱) فقیر بودند؛ در سال دوم (۱۳۹۵) نیز فقیر باقی می‌مانند و تنها با احتمال کمتر از ۲۰ درصد، خانوارهای فقیر (غیرفقیر) در سال اول در دوره بعد، در وضعیت غیرفقیر (فقیر) قرار گرفته‌اند.

غضنفری اقدم و میلا علمی (۱۳۹۸) به بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری طبقات فقیر در ایران پرداخته‌اند. پردازش اولیه داده‌ها نشان داد که در برنامه‌های فقرزدایی، باید به مسئله آمایش سرزمین توجه شود. نتایج برآورد مدل لاجیت داده‌های شبه‌تابلویی با اثرات تصادفی نشان داد که زن بودن سرپرست خانوار، اثر معناداری بر کاهش فقر دارد. متغیرهای سال‌های تحصیل و وضعیت درآمدی سرپرست خانوار، تعداد افراد با سواد و تعداد افراد شاغل خانوار، اثری معنادار بر احتمال خروج از فقر دارند. بین بُعد خانوار و احتمال فقیر شدن، رابطه مستقیم وجود دارد. همچنین، بین زندگی در مناطق شهری و احتمال فقیر شدن رابطه مستقیم وجود دارد. تأثیر سن سرپرست خانوار بر فقر U شکل بوده است. یعنی در سال‌های جوانی و میان‌سالی احتمال خروج از فقر وجود دارد؛ در حالی که با ورود به دوران پیری، احتمال قرارگیری در دایره فقر افزایش می‌یابد. لذا، پیشنهاد می‌شود که در برنامه‌های فقرزدایی به افراد مسن، به‌ویژه زنان سرپرست خانوار کم‌درآمد و بدون درآمد، توجه ویژه‌ای شود.

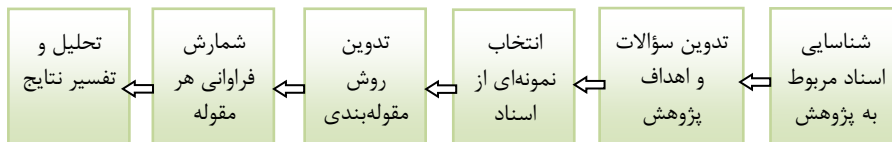
کاظم اعتماد و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای، به بررسی تأثیر ابعاد فقر بر فقر مزمن و گذرا، طی دوره زمانی ۱۳۸۶-۱۳۹۶، براساس رویکرد داده‌های تابلویی ترکیبی در اقتصاد ایران پرداخته‌اند. نتایج حاصل از بررسی فقر درآمدی، حاکی از آن است که در هر دوره، تقریباً ۶۰ درصد از جمعیت ایران زیر خط فقر قرار داشته‌اند. شدت فقر ۰/۵۴ و نابرابری درآمد میان افراد فقیر ۰/۳۴ است. همچنین، فقر مزمن ۸۴ درصد از فقر کل در ایران را شامل می‌شود. سهم اصابت فقر و شدت فقر و نابرابری میان فقرا بر فقر مزمن، به ترتیب، ۴۷ درصد، ۳۵ درصد و ۱۸ درصد است و سهم سه بُعد فقر بر فقر گذرا، به ترتیب، ۶۵ درصد، ۷ درصد و ۲۸ درصد است. فقر مزمن به شدت تحت تأثیر اصابت فقر و شدت فقر است و فقر گذرا، بیشتر از بقیه ابعاد فقر، تحت تأثیر اصابت فقر قرار گرفته است.

وجه تمایز پژوهش حاضر، با سایر مطالعات انجام‌شده در زمینه فقر و محرومیت، این است که در مطالعه حاضر، با استفاده از مبانی نظری مربوط به فقر درآمدی، فقر قابلیت‌ی و طرد اجتماعی، سعی بر آن است که محتوای برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران در زمینه فقر و محرومیت تحلیل شود؛ به طوری که نتایج حاصل از آن، در تدوین برنامه هفتم توسعه، مورد توجه قرار بگیرد. این ویژگی، در هیچ کدام از مطالعات فوق، مشاهده نشده است.

۳. روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر نوع تحقیق، تحلیلی-توصیفی است. پاسخ به سؤال پژوهش مستلزم بررسی محتوای برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران است. بدین منظور، از روش تحلیل محتوا، جهت استخراج مقوله‌های مرتبط با فقر، در برنامه‌های توسعه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی، ایران استفاده می‌شود. از روش تحلیل محتوا می‌توان، برای بررسی محتوای آشکار، دوپهلوی، مبهم، پنهان و حتی پیچیده در یک متن استفاده کرد. در واقع، این روش برای کشف دنیای کلمات و جملات و هدف نویسنده یا گوینده به کار می‌رود. روش تحلیل محتوا در جستجوی دریافت جنبه‌های ادراکی و احساسی پیام‌ها و یا درک موارد پنهانی و قابل استخراج از بیانات و محتواهاست (آذر، ۱۳۸۰: ۵). تفسیر آنچه (محتوا) در یک پیام وجود دارد را تحلیل محتوا می‌گویند. به گفته کول^۱ (۱۹۸۸)، این روش «روشی برای تجزیه و تحلیل پیام‌های ارتباطی نوشتاری، کلامی یا بصری» است. در تحلیل محتوای کمی، پژوهشگر می‌تواند، علاوه بر نحوه ادای کلمات یا لحن بیان، در ادای واژگان به شرایط روانی فرد نیز توجه کند. در رویکرد قیاسی، یا از کل به جزء رسیدن، از تحلیل براساس دانش قبلی و هدف مقایسه یا آزمایش یک نظریه استفاده می‌شود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۹: ۲۹۰).

رویکرد این مطالعه، تحلیل محتوای کمی است. واحد محتوا در این مطالعه مضمون است. روش تحلیل محتوای کمی، تحلیل مقوله‌ای است. رویکرد مورد استفاده در این مطالعه، رویکرد قیاسی است. مقوله‌های اصلی و فرعی مطالعه از مبانی نظری مربوط به فقر، که در مباحث پیشین به آنها اشاره شده، استخراج شده است. فرآیند تحلیل محتوای مورد استفاده در مطالعه حاضر، به شرح شکل ۳ است:



شکل ۳: فرآیند تحلیل محتوای اسناد

مأخذ: گال، بورگ و گال، ۱۳۸۶.

۱.۳. جامعه و نمونه مورد بررسی

جامعه آماری این مطالعه، متن برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران است. باتوجه به اینکه کل جامعه آماری مورد بررسی قرار می‌گیرد، نمونه‌گیری به روش تمام‌شماری انجام می‌شود و تمام جامعه آماری نمونه تحقیق در نظر گرفته می‌شود.

۲.۳. پایایی و روایی ابزار جمع‌آوری اطلاعات

برای ارزیابی اعتبار مقوله‌های استخراجی، روایی و پایایی آنها بررسی می‌شود. پایایی ابزار حاضر، به شیوه کدگذاری مجدد (استخراج مقوله‌ها) توسط محقق، در زمان‌های مختلف و همچنین توافق بین کدگذاران (نویسندگان) بوده است که در هر دو مورد، توافق بالایی وجود داشته است. بدین ترتیب که نویسندگان، برنامه‌های توسعه مورد بررسی را یکبار دیگر، به‌طور کامل، بازخوانی کرده و با کدگذاری مجدد، به نتایج مشابه دست پیدا کردند. روایی ابزار حاضر، به شیوه روایی محتوایی بوده، بدین صورت که به تأیید خبرگان رسیده است.

۴. یافته‌های پژوهش

۱.۴. مقوله‌سازی با استناد به مبانی نظری فقر درآمدی، فقر قابلیت‌ی و طرد اجتماعی

ابتدا مبانی نظری مربوط به فقر درآمدی، فقر قابلیت‌ی و طرد اجتماعی بررسی و مطالعه شد. سپس، باتوجه به مبانی نظری، مقوله‌های اصلی و فرعی (کدها) استخراج شدند.

جدول ۲: مقوله‌های استخراجی از دیدگاه نظری فقر درآمدی، فقر قابلیتی و طرد اجتماعی

مقوله اصلی	مقوله فرعی	مقوله اصلی	مقوله فرعی
فقر درآمدی	تأمین نیازهای اساسی	طرد اجتماعی	برابری و تعادل منطقه‌ای
	حداقل درآمد		پایداری محیط‌زیست
	پرداخت یارانه		فقدان حقوق سیاسی یا بی‌اعتمادی به فرآیندهای سیاسی
فقر قابلیتی	آموزش		تبعیض جنسیتی و قومی و به حاشیه رانده شدن برخی از گروه‌ها
	مسکن		بی‌خانمانی و ارتکاب جرم
	انرژی		بیکاری
	تسهیلات رفاهی	بیماری ذهنی و فیزیکی و تحصیلات پایین	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۲.۴. تحلیل محتوای مفاد برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران با استفاده از مقوله‌های استخراجی

با مطالعه سطر به سطر ماده‌واحد و تبصره‌های برنامه‌های اول تا ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران و تحلیل محتوای آنها، با استفاده از مقوله‌های استخراجی از مبانی نظری، نتایج زیر حاصل شد:

۲.۴.۱. بررسی قانون برنامه پنج‌ساله اول توسعه جمهوری اسلامی ایران

با مطالعه جزئیات ماده‌واحد و تبصره‌های برنامه پنج‌ساله اول توسعه جمهوری اسلامی ایران، مهم‌ترین جهت‌گیری‌های مرتبط با مقوله‌های فقر درآمدی، فقر قابلیتی و طرد اجتماعی به شرح زیر خلاصه می‌شود:

تبصره ۵ برنامه اول توسعه به توزیع سالانه اعتبارات سرمایه‌گذاری‌های ثابت، بین استان‌های مختلف، جهت برخورداری بخش‌های محروم از امکانات آموزشی-بهداشتی و راه مناسب روستایی، اشتغال و برق‌رسانی، اشاره کرده است. این تبصره دربردارنده

مفاهیم مرتبط با فقر قابلیت‌ی و طرد اجتماعی است. در تبصره ۶، دولت مکلف به توسعه بخش‌های محروم و تعادل‌های منطقه‌ای است که در قالب ایجاد تسهیلات لازم، برای تقلیل کارمزد وام‌های پرداختی در امور کشاورزی، صنعتی و مسکن در بخش‌های محروم، اعطای تخفیف مالیاتی برای مشاغل تولیدی در بخش‌های محروم و تحت پوشش قرار دادن کلیه افراد واجب‌التعلیم در بخش‌های محروم، به آن توجه شده است. این تبصره دربرگیرنده برابری منطقه‌ای بوده و اشاره به طرد اجتماعی و فقر قابلیت‌ی دارد. تبصره ۱۱ قانون برنامه اول توسعه در پیشبرد اهداف مربوط به فقر قابلیت‌ی بوده و اشاره به دسترسی مردم به مسکن با اجاره مناسب دارد. تبصره ۱۳ این برنامه به لزوم توجه به آلودگی زیست‌محیطی اشاره کرده و جزو مقوله‌های مرتبط با طرد اجتماعی به حساب می‌آید. تبصره ۱۶ این برنامه به تأمین داروهای مورد نیاز مناطق روستایی و بخش‌های محروم کشور پرداخته که در راستای فقر قابلیت‌ی و طرد اجتماعی است.

۲۰۲۴ بررسی قانون برنامه پنج ساله دوم توسعه جمهوری اسلامی ایران

با مطالعه جزئیات ماده واحد و تبصره‌های برنامه پنج‌ساله دوم توسعه جمهوری اسلامی ایران، مهم‌ترین جهت‌گیری‌های مرتبط با مقوله‌های فقر درآمدی، فقر قابلیت‌ی و طرد اجتماعی به شرح زیر خلاصه می‌شود:

تبصره ۲ قانون دوم توسعه دربردارنده مقوله مرتبط با طرد اجتماعی است؛ چرا که به سیاست‌های تمرکززدایی و افزایش نقش استان‌ها در اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اشاره دارد که در جهت نابرابری و تبعیض است. تبصره ۱۰ این قانون در جهت تأمین عدالت اجتماعی، کاهش فقر و محرومیت، ایجاد اشتغال و حمایت از بنگاه‌های اقتصادی کوچک بیان شده که در راستای مقوله‌های مربوط به فقر قابلیت‌ی و طرد اجتماعی است. توسعه روستاهای محروم و تعادل منطقه‌ای در روستاها، مقوله مورد اشاره در تبصره ۱۱ بوده که مرتبط با طرد اجتماعی است. کمک معاش ماهانه به اقشار کم‌درآمد شامل خانواده‌ها، زنان و کودکان بی‌سرپرست، خانواده‌هایی که سرپرست آنها از کار افتاده و سربازان متأهل، موارد مورد اشاره در تبصره ۱۲ این قانون است که دربردارنده مفاهیم مربوط به فقر درآمدی است. تبصره ۱۴ قانون برنامه دوم توسعه به جبران خسارات وارد شده به مناطق جنگی اشاره کرده که در راستای مفاهیم مربوط به فقر قابلیت‌ی و طرد

اجتماعی است. پرداخت یارانه به کالاهای اساسی، دارو و شیر خشک در تبصره ۱۶ این قانون مورد توجه قرار گرفته که اشاره به فقر درآمدی دارد. در تبصره ۶۲ این قانون، به تمهیدات لازم برای اجباری کردن شرکت کودکان لازم‌التعلیم در آموزش اجباری و شرکت بی‌سوادان کمتر از ۴۰ سال در دوره‌های سوادآموزی، جزو مقوله‌های مربوط به فقر قابلیت‌ی و طرد اجتماعی است. در تبصره‌های ۷۴، ۷۵، ۷۶ و ۷۷ این قانون، به حمایت از منابع آبی و بخش کشاورزی اشاره شده است که مقوله مرتبط با طرد اجتماعی است. توسعه و حمایت از صنایع تبدیلی و روستایی در تبصره ۸۰ مورد ملاحظه قرار گرفته که مرتبط با طرد اجتماعی است. تبصره ۸۲ و ۸۳ قانون برنامه دوم توسعه اشاره به ملاحظات زیست‌محیطی در کلیه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی دارد که مقوله مرتبط با طرد اجتماعی است. تبصره ۹۴ تکمیل تأسیسات، تجهیزات و نیروی شبکه‌های بهداشتی درمانی کشور را مدنظر قرار داده که در راستای توجه به فقر قابلیت‌ی و طرد اجتماعی است. تبصره ۹۵ به ایجاد ۶۶ هزار فرصت شغلی ارزان‌قیمت به منظور حمایت از اشتغال نیروی کار و کاهش نرخ بیکاری اشاره دارد که در زمینه فقر قابلیت‌ی و طرد اجتماعی است.

۳.۲.۴. بررسی قانون برنامه پنج‌ساله سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران

با مطالعه جزئیات مواد و تبصره‌های برنامه پنج‌ساله سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران، مهم‌ترین جهت‌گیری‌های مرتبط با مقوله‌های فقر درآمدی، فقر قابلیت‌ی و طرد اجتماعی به شرح زیر خلاصه می‌شود:

در ماده ۳۶ قانون سوم توسعه، توجه به نظام تأمین اجتماعی، با هدف حمایت از اقشار مختلف جامعه، در راستای توجه به مقوله‌های تأمین اجتماعی است. حمایت بخش غیربیمه‌ای پیشگیری، توان‌بخشی و حمایتی برای نیازمندان، در راستای خدمات ویژه در برنامه‌های بخش اشتغال، مسکن و آموزش، پیشگیری از بروز آسیب‌های اجتماعی و معلولیت‌های جسمی و روانی، پرداخت سرانه بیمه، پرداخت مستمری به نیازمندان که توان کار و فعالیت ندارند، در جهت توجه به فقر درآمدی، فقر قابلیت‌ی و طرد اجتماعی است. در ماده ۴۶ پرداخت یارانه به کالاهای اساسی مورد توجه بوده که در راستای مقوله مربوط به فقر درآمدی است. اعطای یارانه به نهاده‌های کشاورزی در ماده ۴۷ مورد توجه قرار گرفته که در راستای توجه به فقر درآمدی است. ماده ۱۰۴، در راستای حمایت از محیط‌زیست، به بهره‌برداری بالقوه از

محیط‌زیست و کاهش آلودگی‌ها اشاره دارد که در راستای طرد اجتماعی است. توسعه ارتباطات به نقاط غیربرخوردار، بالابردن بازده ملی و بازده بخش، شفاف‌سازی اقتصادی و بهبود رفاه اجتماعی در ماده ۱۲۵ قانون سوم توسعه، در راستای توجه به طرد اجتماعی است. براساس ماده ۱۳۷ دولت موظف شد، همه‌ساله، اعتبارات خاصی را پیش‌بینی نماید تا پس از پایان برنامه سوم، کلیه روستاهای بالای بیست خانوار از راه مناسب، مدرسه، آب شرب بهداشتی، برق و تلفن برخوردار باشند. از این‌رو، در این ماده به فقر قابلیت و طرد اجتماعی اشاره شده است. ماده ۱۵۸ این قانون به زمینه‌سازی برای ایفای نقش مناسب زنان در توسعه کشور و افزایش فرصت‌های اشتغال زنان اشاره کرده که به رویکرد طرد اجتماعی اشاره دارد. دسترسی آحاد مردم به خدمات بهداشتی و درمانی، که در ماده ۱۹۲ و ۱۹۳ قانون سوم توسعه مورد بحث قرار گرفته، در راستای مقوله‌های مربوط به فقر قابلیت و طرد اجتماعی است. ماده ۱۹۷ این قانون به نهادینه کردن امنیت غذایی و رفع سوءتغذیه خانوارهای کم‌درآمد و اعطای یارانه به کالاهای اساسی اشاره دارد که در راستای فقر درآمدی و فقر قابلیت قرار دارد.

۴.۲.۴. بررسی قانون برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران

با مطالعه جزئیات مواد و تبصره‌های برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران، مهم‌ترین جهت‌گیری‌های مرتبط با مقوله‌های فقر درآمدی، فقر قابلیت و طرد اجتماعی، به شرح زیر خلاصه می‌شود:

ماده ۳۰ این قانون، در جهت دستیابی به توسعه پایدار و بهبود محیط زندگی شهر و روستاها، اشاره به طرح جامع مسکن، ارتقای شبکه آب شهری و فاضلاب شهری، مناسب‌سازی فضای شهری و روستایی برای معلولین جسمی و حرکتی، احیای بافت‌های فرسوده، ایمن‌سازی و مقاوم‌سازی ساختمان‌ها و شهرها و ... دارد که در جهت فقر قابلیت و طرد اجتماعی است. دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی، در ماده ۵۲ این قانون، مورد توجه قرار گرفته که به رویکرد طرد اجتماعی اشاره دارد. در ماده‌های ۵۹، ۶۲ و ۶۳ و ۶۸ این قانون، به توجه بر آلودگی و تخریب محیط‌زیست توجه شده است که در راستای طرد اجتماعی است. در ماده ۸۴ به امنیت غذا و تغذیه در کشور، تأمین سبد مطلوب غذایی و کاهش بیماری‌های ناشی از سوءتغذیه و گسترش سلامت همگانی در کشور اشاره شده که در راستای فقر

قابلیتی است. ماده ۸۹ و ۹۰ این قانون به دسترسی عادلانه مردم به خدمات بهداشتی، درمانی و کاهش سهم خانوارهای کم‌درآمد و آسیب‌پذیر پرداخته است که در راستا فقر قابلیت و طرد اجتماعی قرار دارد. در ماده ۹۱ این قانون، تعمیم عدالت در بهره‌مندی از خدمات بهداشتی درمانی و خدمات بیمه پایه درمانی روستاییان عشایری معادل مناطق شهری، تعریف و اجرا می‌شود که در جهت طرد اجتماعی است. در ماده ۹۵ این قانون، به تعیین خط فقر در جهت فقر درآمدی، گسترش و تعمیق نظام جامع تأمین اجتماعی، جلب مشارکت اجتماعی سه دهک پایین درآمدی و افزایش بهره‌وری و درآمد روستاییان و عشایر، که در راستای طرد اجتماعی است، اشاره شده است. در ماده ۹۶ قانون چهارم توسعه، در جهت استقرار نظام تأمین اجتماعی، به افزایش پوشش بیمه‌های اجتماعی، با توجه خاص به روستاییان و عشایر و شاغلان شهری، که تاکنون تحت پوشش نبوده‌اند و بیمه خاص زنان سرپرست خانوار و افراد بی‌سرپرست، اشاره شده است که در راستای طرد اجتماعی است. در ماده ۹۷ قانون چهارم توسعه، به منظور پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی، بر اقداماتی همچون توانمندسازی افراد و گروه‌های در معرض آسیب، بازتوانی آسیب‌دیدگان اجتماعی و پیشگیری از اعتیاد، شناسایی نقاط آسیب‌خیز و بحران‌زای اجتماعی در بافت شهری و حاشیه شهرها و ... اشاره شده است که در راستای مقوله‌های مربوط به طرد اجتماعی است.

۵.۲.۴. بررسی قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران

با مطالعه جزئیات مواد و تبصره‌های برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، مهم‌ترین جهت‌گیری‌های مرتبط با مقوله‌های فقر درآمدی، فقر قابلیت و طرد اجتماعی به شرح زیر خلاصه می‌شود:

در ماده ۳۴ این قانون، به منظور ایجاد و حفظ یکپارچگی در تأمین، توسعه و تخصیص عادلانه منابع عمومی سلامت، به مواردی همچون حمایت دولت از بخش‌های خصوصی و تعاونی برای ایجاد شهرک‌های دانش سلامت، کاهش سهم هزینه‌های مستقیم مردم از هزینه‌های سلامت، ایجاد دسترسی عادلانه مردم به خدمات بهداشتی-درمانی، کمک به هزینه‌های تحمل‌ناپذیر دارو، درمان بیماران خاص و صعب‌العلاج، اعلام فهرست مواد و فرآورده‌های غذایی سالم و ایمن و سبب

غذایی مطلوب برای گروه‌های سنی مختلف و اعلام مقدار مصرف مجاز سموم و کودهای شیمیایی، برای تولید محصولات باغی و کشاورزی اشاره دارد که در راستای توجه به فقر قابلیت است. در ماده ۳۸ این قانون، به توسعه کمی و کیفی بیمه‌های سلامت و دستیابی به پوشش فراگیر و عادلانه خدمات سلامت اشاره شده است که در راستای فقر قابلیت و طرد اجتماعی است. توانمندسازی افراد و گروه‌های نیازمند، به‌ویژه زنان سرپرست خانوار و معلولان، در راستای توجه به فقر قابلیت و طرد اجتماعی است. در ماده ۴۲ قانون برنامه پنجم توسعه، تحت پوشش قرار دادن خانواده‌هایی که سرپرست آنها تحت پوشش هیچ‌گونه بیمه‌ای نیست، مورد ملاحظه قرار گرفته که در راستای توجه به طرد اجتماعی است. در ماده ۸۰ این قانون، ایجاد اشتغال پایدار، توسعه کارآفرینی و نبود تعادل منطقه‌ای مورد توجه قرار گرفته که در راستای توجه به فقر قابلیت و طرد اجتماعی است. ماده ۱۸۱ این قانون، به توسعه متوازن مناطق، ارتقای توانمندی‌های مدیریتی استان‌ها و انتقالات اجرایی به استان‌ها و تمرکز امور حاکمیتی در مرکز اشاره دارد که در راستای توجه به طرد اجتماعی است. ماده ۱۹۴ این قانون به ارتقای سطح درآمد و کیفیت زندگی روستاییان و کشاورزان و کاهش نابرابری موجود بین جامعه روستایی، عشایر و جامعه شهری، از طریق ارتقای شاخص‌های توسعه روستایی، بهسازی، نوسازی، بازسازی و ایمن‌سازی ساختار کالبدی محیط و مسکن روستایی، حمایت از گسترش کشاورزی صنعتی و صنایع روستایی، سامان‌دهی روستاها در قالب مجموعه‌های روستایی به منظور خدمات‌رسانی بهتر و مؤثرتر و ... در راستای مقوله‌های مربوط به طرد اجتماعی است. ارتقا و تقویت معیشت مرزنشینان، از طریق استقرار صنایع و شکل‌گیری تعاونی‌های مرزنشینان و حق بهره‌برداری از زمین‌های مستعد کشاورزی و استفاده حداکثری از منابع طبیعی و گردشگری در مناطق مرزی در ماده ۲۰۴ این قانون آمده که در رابطه با مقوله‌های مطرح در حیطه طرد اجتماعی است.

۶.۲.۴ بررسی قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران

با مطالعه جزئیات مواد و تبصره‌های برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، مهم‌ترین جهت‌گیری‌های مرتبط با مقوله‌های فقر درآمدی، فقر قابلیت و طرد اجتماعی به شرح زیر خلاصه می‌شود:

در ماده ۲۶ قانون ششم توسعه به عدالت بین منطقه‌ای توجه شده که در راستای مقوله‌های مربوط به طرد اجتماعی است. شناسایی و بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود در نواحی روستایی و ارتقای منزلت اجتماعی روستاییان و جایگاه روستا در اقتصاد ملی و ایجاد بستر لازم برای شکوفایی و پیشرفت عدالت‌محور روستاها مواردی هستند که در ماده ۲۷ قانون ششم توسعه به آنها اشاره شده که در راستای طرد اجتماعی‌اند. راهکارهای مطرح در زمینه کم‌آبی، در ماده ۵ مورد اشاره قرار گرفته که در راستای موارد مطرح در طرد اجتماعی است. ماده ۵۹ این قانون، در قالب حمایت از تولید و عرضه مسکن، تأمین منابع مالی و تسهیلات ارزان‌قیمت و زمین مورد نیاز برای کمک به ساخت و یا خرید سالانه حداقل صدوپنجاه هزار واحد مسکن اقشار کم درآمد در شهرها را در دستور کار قرار داده که در راستای فقر قابلیت‌ی و طرد اجتماعی است. ماده ۶۲ قانون ششم توسعه به سامان‌بخشی مناطق حاشیه‌نشین، برنامه‌ریزی برای مدیریت و توزیع متناسب فعالیت، جمعیت و مهاجرت در کشور، به منظور ارتقای شرایط محیطی پایدار و فراگیر ساکنان مناطق حاشیه‌نشین و برخورداری از مزایای شهرنشینی اشاره داشته که در راستای مقوله‌های مطرح در طرد اجتماعی است. پوشش بیمه سلامت برای تمام آحاد جامعه در ماده ۷۰ ذکر شده است که در راستای مقوله‌های مطرح در زمینه فقر قابلیت‌ی و طرد اجتماعی است. ماده ۷۵ به غربال‌گری در زمان ازدواج جهت جلوگیری از تولد فرزندان معلول اشاره کرده که در مقوله‌های مطرح در طرد اجتماعی نهفته شده است. براساس ماده ۷۹ برنامه ششم توسعه، دولت موظف شد، در طول اجرای قانون برنامه، علاوه بر پرداخت یارانه فعلی، هر سال، حداقل مستمری خانوارهای مددجویان تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی و سازمان بهزیستی را متناسب با سطح محرومیت، بر مبنای متوسط بیست درصد حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار، در چارچوب بودجه سنواتی و از محل درآمد قانون هدمند کردن یارانه‌ها، با حذف خانوارهای پُردرآمد پرداخت نماید. این ماده متناسب با فقر درآمدی است. ماده ۸۰ به پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی با الویت اعتیاد، طلاق، حاشیه‌نشینی، کودکان کار و مفاسد اخلاقی پرداخته که در راستای مقوله‌های مطرح در زمینه طرد اجتماعی است.

جدول ۳ تحلیل محتوای انجام شده در قالب تعداد مفاهیم یا مضامین، مقوله‌های اصلی فقر در هریک از برنامه‌های اول تا ششم توسعه را در خود جای داده است.

جدول ۳: حضور مقوله‌های مربوط به فقر در برنامه‌های توسعه

برنامه‌های توسعه	تعداد کل تبصره/ ماده	موادی که به فقر اختصاص دارند		موادی که به فقر قابلیت اختصاص دارند		موادی که به فقر اختصاص دارند	
		درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
برنامه اول توسعه	۵۲	۵	۹۶۱	۰	۰	۰	۰
برنامه دوم توسعه	۱۰۱	۱۶	۱۵,۸۴	۲	۱۲,۵	۵	۳۱,۲۵
برنامه سوم توسعه	۱۹۹	۱۰	۵,۰۲	۳	۳۰	۴	۴۰
برنامه چهارم توسعه	۱۶۱	۱۳	۸,۰۷	۰	۰	۳	۲۳,۰۷
برنامه پنجم توسعه	۲۳۵	۱۰	۴,۲	۰	۰	۶	۶۰
برنامه ششم توسعه	۱۲۴	۹	۷,۲۵	۱	۱۱,۱۱	۲	۲۲,۲۲

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۳ نشان می‌دهد که تعداد ۵ تبصره از ۵۲ تبصره برنامه اول توسعه به فقر و محرومیت اختصاص یافته است. به عبارت دیگر، ۹۶۱ درصد از برنامه اول توسعه به فقر و محرومیت اختصاص دارد. از ۵ تبصره مربوط، ۴ تبصره دربردارنده مقوله‌های مربوط به فقر قابلیت و ۴ تبصره دربردارنده مقوله‌های مربوط به فقر و محرومیت اختصاص یافته است. به عبارت دیگر، ۱۵,۸۴ درصد از برنامه دوم توسعه به فقر و محرومیت اختصاص دارد. از ۱۶ تبصره مربوط، ۲ تبصره دربردارنده مقوله‌های مربوط به فقر درآمدی، ۵ تبصره دربردارنده مقوله‌های مربوط به فقر قابلیت و ۱۴ تبصره دربردارنده مقوله‌های مربوط به فقر اجتماعی است. تعداد ۱۰ ماده از ۱۹۹ ماده برنامه سوم توسعه به فقر و محرومیت اختصاص یافته است. به عبارت دیگر، ۵,۰۲ درصد از برنامه سوم توسعه به فقر و محرومیت اختصاص دارد. از ۱۰ ماده مربوط، ۳ ماده دربردارنده مقوله‌های مربوط به فقر درآمدی، ۴ ماده دربردارنده مقوله‌های

مربوط به فقر قابلیت‌ی و ۶ ماده دربردارنده مقوله‌های مربوط به طرد اجتماعی است. تعداد ۱۳ ماده از ۱۶۱ ماده برنامه چهارم توسعه به فقر و محرومیت اختصاص یافته است. به عبارت دیگر، ۸٫۰۷ درصد از برنامه چهارم توسعه، به فقر و محرومیت اختصاص دارد. از ۱۳ ماده مربوط، ۳ ماده دربردارنده مقوله‌های مربوط به فقر قابلیت‌ی و ۱۲ ماده دربردارنده مقوله‌های مربوط به طرد اجتماعی است. تعداد ۱۰ ماده از ۲۳۵ ماده مربوط به برنامه پنجم توسعه به فقر و محرومیت اختصاص پیدا کرده که از این تعداد ۶ ماده دربردارنده مفاهیم مربوط به فقر قابلیت‌ی و ۹ ماده دربردارنده مقوله‌های مربوط به طرد اجتماعی است. تعداد ۹ ماده، از ۱۲۴ ماده برنامه ششم توسعه، به فقر و محرومیت اختصاص یافته است. به عبارت دیگر، ۷٫۲۵ درصد از برنامه ششم توسعه به فقر و محرومیت اختصاص دارد. از ۹ ماده مربوط، ۱ تبصره دربردارنده مقوله‌های مربوط به فقر درآمدی، ۲ ماده در بر دارنده مقوله‌های مربوط به فقر قابلیت‌ی و ۸ ماده دربردارنده مقوله‌های مربوط به طرد اجتماعی است. مقایسه برنامه‌های توسعه، از منظر مقوله‌های اصلی تحقیق (فقر درآمدی، فقر قابلیت‌ی و طرد اجتماعی)، در قالب نمودار ۲ بیان شده است.



نمودار ۲: توزیع فراوانی رویکردهای مختلف فقر در برنامه‌های توسعه ج.ا.ا.

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نمودار ۲ نشان می‌دهد که هیچ‌کدام از تبصره‌های برنامه‌های اول توسعه، به فقر درآمدی اختصاص پیدا نکرده و طرد اجتماعی و فقر قابلیت به‌طور مساوی، فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. کمترین فراوانی از تبصره‌های برنامه‌های دوم توسعه را فقر درآمدی داشته و طرد اجتماعی بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. کمترین فراوانی از مواد برنامه‌های سوم توسعه مربوط به فقر درآمدی بوده و طرد اجتماعی بیشترین فراوانی را دارد. فقر درآمدی در مواد برنامه چهارم توسعه جای نداشته و طرد اجتماعی بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. هیچ‌کدام از مواد برنامه پنجم توسعه به فقر درآمدی اختصاص پیدا نکرده و طرد اجتماعی بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. در مفاد برنامه ششم توسعه فقر درآمدی کمترین فراوانی و طرد اجتماعی بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، در بین برنامه‌های توسعه، برنامه دوم توسعه بیشتر به مقوله فقر و محرومیت پرداخته است. در این بین، برنامه ششم توسعه به مقوله فقر و محرومیت کمتر توجه کرده است. مفاد برنامه‌های اول، چهارم و پنجم هیچ توجهی به فقر درآمدی نداشته‌اند.

نگاهی به فراوانی مقوله‌های فقر در برنامه‌های توسعه نشان می‌دهد که گویا فقر و محرومیت، جزو مباحث حاشیه‌ای در طی برنامه‌های توسعه بوده‌اند. با توجه به اینکه کشور ایران از دیرباز، با مشکلاتی همچون فقر و محرومیت درگیر بوده، لذا انتظار بر این بود که در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی، توجه به‌سزایی به مبارزه با فقر و محرومیت شود؛ چرا که یکی از اهداف والای نظام جمهوری اسلامی، مبارزه با فقر و محرومیت بوده است. از این رو، می‌توان بخشی از فراگیر بودن مشکل فقر در ایران، طی سالیان متمادی را به تدوین برنامه‌های توسعه نسبت داد. با وجود آنکه زندگی افراد فقیر، که در طی سالیان اخیر نیز افزایش یافته‌اند، بیشتر تحت تأثیر کمبود درآمد قرار دارد، اما فقر درآمدی، آن‌طور که باید و شاید، در برنامه‌های توسعه مورد توجه قرار نگرفته است.

نگاه اجمالی به جدول ۳ نشان‌دهنده وجود حرکت نوسانی، در جهت مبارزه با فقر و محرومیت، در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران است. به عبارت دیگر، می‌توان ادعان داشت که یک روند باثبات، در جهت مبارزه با فقر و محرومیت، در جمهوری اسلامی ایران، طی نشده است.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات تحلیلی-توصیفی است. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که چقدر و چگونه برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بعد از انقلاب اسلامی، به هدف اصلی نظام جمهوری اسلامی ایران، که همانا رفع فقر و محرومیت است، توجه کرده‌اند و آیا در جهت مبارزه با فقر و محرومیت حرکت اثباتی را پیش گرفته‌اند؟ پرداختن به بیماری خطرناک فقر در این برهه از زمان، که کشور با شدت و عمق بیشتر، نسبت به گذشته، با آن مواجه بوده و همچنین در آستانه تدوین برنامه هفتم توسعه قرار گرفته، امری مهم و ضروری است.

مطالعه حاضر، با استفاده از تحلیل محتوای کمی، به بررسی جایگاه رفع فقر و محرومیت در برنامه‌های توسعه کشور پرداخته است. به این منظور، ابتدا با استفاده از مبانی نظری موجود در زمینه فقر درآمدی، فقر قابلیت‌ی و طرد اجتماعی، به استخراج مقوله‌های لازم جهت تحلیل محتوا اقدام گردید که مقوله‌های استخراجی در قالب جدول ۲ گزارش شده است. سپس مقوله‌های استخراجی در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران ردیابی شدند که در قسمت تجزیه و تحلیل یافته‌ها به آنها اشاره شد. نتایج توزیع فراوانی مقوله‌های اصلی، در قالب جدول ۳ و نمودار ۲ ارائه شدند.

همان‌طور که بیان شد، در بین برنامه‌های توسعه، برنامه دوم توسعه بیشتر به مقوله فقر و طرد اجتماعی پرداخته است. در این بین، برنامه اول توسعه به مقوله فقر و طرد اجتماعی، کمتر توجه کرده است. برنامه‌های اول، چهارم و پنجم توسعه توجهی به فقر درآمدی نداشته و تمام توجه این برنامه‌ها، معطوف به برخی از ابعاد فقر قابلیت‌ی و طرد اجتماعی بوده است. برنامه‌های دوم، سوم و ششم توسعه نیز، با در نظر گرفتن فقر درآمدی، به برخی از ابعاد فقر قابلیت‌ی و طرد اجتماعی توجه نموده‌اند که به اختصار در قالب جدول ۴ نمایش داده شده است.

جدول ۴: نتایج کلی تحلیل محتوای برنامه‌های پنج‌ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران

برنامه‌های توسعه فقر	برنامه اول توسعه	برنامه دوم توسعه	برنامه سوم توسعه	برنامه چهارم توسعه	برنامه پنجم توسعه	برنامه ششم توسعه
فقر درآمدی	*	*	*			*
فقر قابلیت	*	*	*	*	*	*
طرد اجتماعی	*	*	*	*	*	*

مأخذ: یافته‌های تحقیق

مطالب مذکور حاکی از سردرگمی و نوسان در مورد سیاست‌های مبارزه با فقر و محرومیت در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران است. نگاهی به محتوای مواد مربوط به فقر و محرومیت نشان می‌دهد که برنامه‌های توسعه، بدون شناخت ریشه فقر و محرومیت، نگاشته شده و حرکت پُرنوسانی را جهت مبارزه با فقر و طرد اجتماعی طی کرده‌اند. حرکت پُرنوسان، باعث سیاست‌گذاری نامناسب، ائتلاف منابع کمیاب اقتصادی و تداوم فقر می‌گردد.

سردرگمی موجود در محتوای برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران، در جهت مبارزه با فقر و محرومیت، آمار روزافزون مربوط به فقر و محرومیت در ایران، تأیید پویایی فقر در مطالعه گيروانی و همکاران (۱۳۹۸) و برآورد ۶۰ درصدی جمعیت زیر خط فقر^۱ در مطالعه کاظم اعتماد و همکاران (۱۳۹۹) ضرورت توجه به رفع فقر قابلیت و طرد اجتماعی را گوشزد می‌کند؛ چراکه مطابق مبانی نظری، تمام ابعاد فقر با هم در ارتباط بوده و توجه به یک بُعد از فقر، راه درمان سایر ابعاد را نیز هموارتر خواهد کرد. لذا، توجه به رفع فقر قابلیت و طرد اجتماعی، فقر درآمدی را نیز رفع خواهد کرد. رفع فقر قابلیت و طرد اجتماعی محقق نمی‌شود، مگر با توجه به ارتقای قابلیت‌ها، چراکه توجه به قابلیت‌ها، علاوه بر ارتقای وضعیت درآمدی، مانع سقوط به دامان فقر می‌شود. هدف سیاست‌های معطوف به فقر قابلیت و طرد اجتماعی، رسیدن فرد به حق بوده و هدف این سیاست‌ها رفع فقر به صورت دائمی بوده و فقر به صورت بلندمدت رفع می‌شود. مبارزه با فقر قابلیت و طرد اجتماعی محقق

۱. ۶۰ درصد جمعیت ایران، در سال مورد مطالعه از فقر درآمدی رنج می‌برند.

نمی‌شود، مگر با رشد فراگیر. رشد فراگیر به مدنظر قرار دادن توامان ارتقای درآمد از طریق رشد اقتصادی و رفع نابرابری درآمد در جامعه اشاره دارد و این موارد محقق نمی‌شود، مگر با رشد اقتصادی پایدار و ثبات اقتصاد کلان. فلذا، لازم است مسئولان کشور برای رفع فقر مزمن در کشور (که نتیجه رشد فراگیر است) توجه ویژه‌ای به رشد اقتصادی پایدار و ثبات اقتصاد کلان داشته باشند. رشد اقتصادی پایدار و ثبات اقتصاد کلان در ایران نتیجه اصلاحات نهادی خواهد بود.

از این‌رو، پیشنهاد می‌شود با توجه به تحقق نیافتن هدف نظام جمهوری اسلامی ایران که رفع فقر و محرومیت از جامعه است، سندی تحت عنوان «سند اصلاحات نهادی» جهت اصلاح نهادهایی در زمینه قواعد رسمی، مانند حقوق مالکیت و حکمروایی خوب با در نظر گرفتن شرایط جامعه ایران، تدوین شده و برنامه‌های توسعه پیش‌رو، بدون جهت‌گیری خاص در جهت پیشبرد آن سند نگاشته و عملیاتی شوند. مطابق با زمان‌بر بودن اصلاحات نهادی، لازم است برنامه‌های توسعه نیز، پیش‌روی گام‌به‌گامی در این زمینه داشته باشند. با توجه به اصلاحات نهادی، جهت تحقق هدف نظام جمهوری اسلامی ایران، انتظار بر این است که مدل‌های ذهنی سیاست‌گذاران و الگوی فکری و فرهنگی مسلط بر جامعه ایران تغییر پیدا کند. اصلاحات نهادی، با مواردی از قبیل رفع موانع سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، توجه به آمایش سرزمین، توجه به حقوق شهروندی و سیاسی تمام افراد جامعه، فراهم کردن فرصت مناسب برای دسترسی آحاد جامعه به زیرساخت‌ها بدون توجه به قومیت، جنسیت و مذهب افراد، توجه به بهره‌وری نیروی کار و ... زمینه لازم برای رشد فراگیر را فراهم آورده که نتیجه آن رفع فقر قابلیت‌ی و طرد اجتماعی در کشور و ارتقای وضعیت درآمدی افراد خواهد بود.

منابع

- آذر، عادل (۱۳۸۰). «بسط و توسعه روش شانون برای پردازش داده‌ها در تحلیل محتوا». *فصلنامه علمی-پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء*، (۳۸ و ۳۷) ۱۱، ۱-۱۸.
- ابراهیمی، مهدی (۱۳۹۳). «فقر درآمدی، فقر قابلیت‌ی و طرد اجتماعی: روندشناسی تحول مفاهیم در بررسی فقر و محرومیت». *فصلنامه تأمین اجتماعی*، (۴) ۱۳، ۳۸-۵۹.
- اشرفی، سکینه، بهبودی، داود، واعظ مهدوی، محمدرضا و پناهی، حسین (۱۳۹۷). «سه‌وجهی رشد، نابرابری و فقر در ایران طی برنامه‌های توسعه». *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۱۸(۷۱)، ۹-۴۴.
- الوانی، سید مهدی، پورعزت، علی‌اصغر و نجابت، انسیه (۱۳۹۴). «بررسی دلایل اثربخش نبودن عملکرد سیستم خط‌مشی‌گذاری ایران در زمینه فقرزدایی (مطالعه موردی: لایحه فقرزدایی در کشور جمهوری اسلامی ایران)»، مدیریت دولتی، (۱) ۷، ۱-۱۸.
- بلیک مور، کن (۱۳۸۵). *مقدمه‌ای بر سیاست‌گذاری اجتماعی*، ترجمه سید علی‌اصغر سعیدی و سعید صادقی، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- ثناپی اعلم، فاطمه، معمارزاده طهران، غلامرضا و دانش‌فرد، کرم‌اله (۱۳۹۵). «ارائه الگوی اجرای خط‌مشی فقرزدایی در ایران براساس سند چشم‌انداز بیست‌ساله»، *مطالعات مدیریت راهبردی*، ۲۸(؟)، ۲۳۳-۲۶۶.
- جمعی از نویسندگان به سرپرستی حمید قاسمی (۱۳۹۹). مرجع پژوهش، تهران: انتشارات اندیشه آوا.
- راغفر، حسین (۱۳۸۴). «فقر و ساختار قدرت در ایران». *فصلنامه رفاه اجتماعی*، (۱۷) ۴، ۲۴۹-۲۸۸.
- زاهدی اصل، محمد و بساطیان، سید محمد (۱۳۹۰). «مسائل و مشکلات فقر در ایران». *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، (۷) ۱، ۲۶-۱.
- سن، آمارتیا (۱۳۷۹). *برابری و آزادی*، ترجمه حسن فشارکی، تهران: انتشارات شیرازه.
- سن، آمارتیا. (۱۳۸۵). *توسعه یعنی آزادی*، ترجمه محمدحسین نوری نائینی، تهران: نشر نی.
- سالم، علی‌اصغر، ابونوری، اسمعیل و عرب‌یارمحمدی، جواد (۱۳۹۷). «رویکرد چندبُعدی به اندازه‌گیری فقر؛ مفاهیم نظری شواهد تجربی از اقتصاد ایران در طول سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۹۲». *فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی*، (۶۸) ۱۸، ۹-۴۱.
- صادقی، علیرضا (۱۳۸۹). «تحولات مفهومی فقر و محرومیت در دهه‌های اخیر». *کتاب ماه علوم اجتماعی*، (۳۴) ۱۱۷-۱۲۲.
- غفاری، غلامرضا و تاج‌الدین، محمد باقر (۱۳۸۴). «شناسایی مؤلفه‌های محرومیت اجتماعی». *فصلنامه رفاه اجتماعی*، (۱۷) ۴، ۳۳-۵۶.
- غفاری، غلامرضا و امید، رضا (۱۳۹۰). «گذر از دستگاه مفهومی فقر به سازه رانده‌شدگی اجتماعی». *فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، (۲۸۵) ۱، ۲۲۲-۲۳۷.

فیروزآبادی، احمد و صادقی، علیرضا (۱۳۹۲). *طرد اجتماعی: رویکرد جامعه‌شناختی به محرومیت*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۳۶۸)، *قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی ج.ا.ا.*

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۳۷۴)، *قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی ج.ا.ا.*

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۳۷۹)، *قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی ج.ا.ا.*

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۳۸۴)، *قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی ج.ا.ا.*

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۳۹۰)، *قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی ج.ا.ا.*

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۳۹۶)، *قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی ج.ا.ا.*

کاظم اعتماد، سید محمد، پیرایی، خسرو و زارع، هاشم (۱۳۹۹). «تأثیر ابعاد فقر بر فقر مزمن و گذرا در ایران»، *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، (۹۵)۲۸، ۲۱۱-۲۴۱.

گرب، ادوارد (۱۳۷۳). *نابرابری اجتماعی: دیدگاه نظریه پردازان کلاسیک و معاصر*، محمد سیاهپوش و احمد غروری‌زاد، نشر معاصر.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

گیروانی، فاطمه، فلاحی، محمدعلی، احمدی شادمهری، محمد طاهر و راغفر، حسین (۱۳۹۸). «تحلیل پویایی فقر در مناطق شهری ایران براساس رویکرد داده‌های تابلویی ترکیبی»، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، (۴)۱۹، ۵۱-۵۷.

محمودی، وحید (۱۳۸۱). «اندازه‌گیری فقر در ایران». *فصلنامه پژوهش‌نامه بازرگانی*، (۲۴)؟، ۲۷-۵۷.

محمودی، وحید و صمیمی‌فر، قاسم. (۱۳۸۴). «فقر قابلیت». *فصلنامه رفاه اجتماعی*، (۱۷) ۵، ۹-۲۳.

مکنون، رضا، سلیمی، جلیل و بهرامی، محسن (۱۳۹۳). «فراتحلیلی بر آسیب‌شناسی‌های برنامه‌های توسعه در ایران». *فصلنامه راهبرد اقتصادی*، (۱۰)۳، ۱۳۸-۱۶۷.

مولایی، محمد و رحیمی‌راد زهره (۱۳۹۵). «بررسی وضعیت فقر در خانوارهای روستایی ایران طی پنج برنامه توسعه اقتصادی ایران: ۱۳۶۸-۱۳۹۲». *فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی*، (۲)۳، ۲۳۵-۲۱۵.

مردیت، گال، بورگ، والتر و گال، جوئیس (۱۳۸۶). مقدمه‌ای بر روش تحقیق، ترجمه جمعی از نویسندگان به سرپرستی احمد رضا نصر اصفهانی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

محمودی، وحید، نگین تاجی، زریب و احمدی، فرزاد (۱۳۸۹). «تجزیه تغییرات فقر به دو عامل رشد و باز توزیع طی برنامه‌های دوم و سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران»، فصلنامه علمی-پژوهشی اقتصاد و الگوسازی، ۱(۲)، ۱۶۱-۱۸۶.

میسای، قاسم، فلاحت‌پیشه، حشمت‌اله و دین‌پرست، فائزه (۱۳۹۴). «جهانی شدن در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران (مطالعه برنامه‌های سوم، چهارم و پنجم توسعه ج.ا.ا)». فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، (۱۵)؟، صص. ۳۸-۶۸.

نورمحمدی، خسرو و صمیمی، احمد (۱۴۰۰). برنامه‌ریزی توسعه در ایران (بازخوانی نظرات دکتر حسین عظیمی آرانی)، تهران: سازمان برنامه و بودجه کشور، مرکز اسناد، مدارک و انتشارات.

هزارجریبی، جعفر و صفری شالی، رضا (۱۳۹۱). آنا تومی رفاه اجتماعی، تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ.

هال، آنتونی و میجلی، جیمز (۱۳۸۸). سیاست اجتماعی و توسعه، ترجمه مهدی ابراهیمی و علیرضا صادقی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

Amadi, B. O., Abdullah, H. (2012). Poverty Alleviation through Corporate Social Responsibility in Niger Delta, Nigeria, Asian Social Science, Vol. 8, No. 4, 57-67.

Bonner, A. (2006). Social Exclusion and the Way out, John Wiley publications.

Burchardt, T., Le Grand, J., & Piachaud., D. (2002). *Understanding Social Exclusion*, Oxford University Press.

De Haan, A. (2007). Reclaiming Social Policy: Globalization, Social exclusion and new poverty Reduction Strategies, *Palgrave Macmillan Publications*.

Dhongde, S. and R. Haveman (2014). Multi-dimensional Poverty in the U.S. Working Paper. No. 4, *University of Wisconsin-Madison's Institute for Research on Poverty*.

González, L., Estarlich. M., Murcia. M., Larranaga. I., Barretoe. F. B., Marina. L. S., Arranz. E., Cirugeda. L., Simó. S., Rebagliato. M. (2021). Risk of child poverty and social exclusion in two Spanish regions: social and family determinants, *Gaceta Sanitaria*, Vol. 35, No. 3, 216-223.

Gangopadhyay. P., Shankar. S., & Rahman. M. A. (2014). Working poverty, social exclusion and destitution: An empirical study, *Economic Modelling*, Vol. 37, No. 3, PP. 241-250.

Guo, J., Qu. S., & Zhu. T. (2022). Estimating China's relative and multidimensional Poverty: Evidence from micro-level data of 6145 rural households, *World Development Perspectives*, Vol. 26, No. ?.

- Haughton J. and S. R. Khandker (2009). Handbook on Poverty and Inequality. Washington, DC: World Bank.
- Imo, A. N. (2017). Poverty and Poverty Reduction Strategies in Nigeria: Lessons from European Social Democracies, *Interdisciplinary Research Conference of Poverty, Health and National Security Conference*, PP. 125-134.
- Klasen, S. (2010). Measuring and Monitoring Inclusive Growth: Multiple Definitions, Open Questions, and Some Constructive Proposals. *ADB Sustainable Development Working Paper Series*, Vol. ?, No. 12), PP. 1-16.
- Kaufman. D., Kraay. A., Mastruzzi. M. (2005). Governance matters IV: Governance indicators for 1996-2004. *Washington D.C: World Bank*.
- Millar, J. (2007). Social Exclusion and Social Policy Research, in "Multidisciplinary Handbook of Social Exclusion Research", Edited by Dominic Abrams, Julie Christian and David Gordon, *John Wiley Publications*.
- McKinley, T. (2010). Inclusive Growth Criteria and Indicators: An Inclusive Growth Index for Diagnosis of Country Progress. *ADB Sustainable Development Working Paper Series*, Vol. ? No. 14, PP. 1-15.
- Niu, T., Chen, Y., & Yuan, Y. (2020). Measuring urban poverty using multi-source data and a random forest algorithm: A case study in Guangzhou. *Sustainable Cities and Society*, 54, 102014.
- Parodi. G., Sciulli, D. (2012). Social Exclusion: Short and long term Causes and Consequences, *Physica-Verlag Publications*.
- Pierson, J. (2002). Tackling Social Exclusion, *Routledge Publications*.
- Ramstad. Y. (2001). John R. Commons's Reasonable Value and the Problem of Just Price, *Journal of Economic Issues*, , Vol. 35, No. 2, PP. 253-277.
- Roncancio, M. P., Mactaggart, I., Kupere, H., Dionicio, G., Naber, J., Murthy, G., & Polack, S. (2020). Multidimensional poverty and disability: A case control study in India, *Cameroon, and Guatemala, SSM- Population Health*, No. 11, 1-10.
- Rodrik. D. (2000). Institutions for high quality growth: What they are and how to acquire them, *NBER Working paper*.
- Taylor. L. (2009). Growth, Development Policy, Job Creation and Poverty Reduction, Economic and Social Affairs, *DESA Working Paper*, No. 90.
- Santos, M. E. (2013). Measuring Multidimensional Poverty in Latin America: Previous Experience and the Way Forward. OPHI Working Paper No. 66, University of Oxford.

- Shoukry, A., Jabeen, M., Zaman, K., Gani, S., & Aamir, A. (2018). A note on poverty, growth, and inequality nexus: evidence from a panel of sub-Saharan African countries. *Quality & Quantity*, Vol. 52, No. 5, PP. 2173-2195.
- Sen. A.K. (1985). A Sociological Approach to the Measurement of Poverty. *Oxford Economic Papers*.
- Sing. P. K., & Chudasama. H. (2020). Evaluating poverty alleviation strategies in a developing country, *Plos One*, PP. 1-23.
- Wilfried. C. B. (2021). Institutional factors of inclusive growth: Evidence from Côte d'ivoire, Vol. 13, No. 1, PP. 13-23.
- Williamson, o., E. (2000). The New Institutional Economics: Taking Stock, Looking Ahead, *Journal of Economic Literature*, Vol. 38 , No. 3, PP. 595-613.
- World Bank. (2009). World Development Report 2009: Reshaping Economic Geography. *Washington, DC: World Bank*.
- Whelan, C., B. Nolan, and B. Maitre (2012). Multidimensional Poverty Measurement in Europe: An Application of the Adjusted Headcount Approach. Geary Institute Discussion Paper No. 2012/11, *University College Dublin*.
- Zhang, J., Ye. Y., & Wang. J. (2021). Social exclusion and psychopathologies of Chinese floating populations, *Journal of Affective Disorders Reports*, PP.1-6.

Content Analysis of the Development Plans of the Islamic Republic of Iran Emphasizing Poverty and Social Exclusion

Zahra Azari^{*}
Parviz Mohamadzadeh^{**}
Davoud Behboudi^{***}

Received: 12 August 2022

Accepted: 26 December 2022

Abstract

One of the most important documents that are usually viewed as an upstream document and the guide of the development process is the five-year development plans of the country. The purpose of the present research is to answer the main question of how poverty alleviation, which is one of the goals of the Islamic Republic of Iran (IRI), has been considered in the policies of such plans. To this end, quantitative content analysis techniques and comparative application of categories were utilized in this study. The basic theory considered for the content analysis of the development plan is based on the approach of income poverty, capability poverty, and social exclusion. The statistical population of the research is the contents of six economic, social, and cultural development plans of the IRI. The hidden and implicit content of the text of the development plan was deduced using the existing theoretical foundations. The results show that among the development plans, the second one has dealt more with the category of poverty and deprivation. The first, fourth, and fifth plans have not paid any attention to income poverty, and the sixth program, considering income poverty, took account of capability

* PhD student of Institutional Economics, Economic Development and Planning Group, Faculty of Economics and management, Tabriz University, Tabriz, Iran.

** Professor of Economics, Economic Development and Planning Group, Faculty of Economics and management, Tabriz University, Tabriz, Iran (Corresponding Author).
Email: pmpmohamadzadeh@gmail.com

*** Professor of Economics, Economic Development and Planning Group, Faculty of Economics and management, Tabriz University, Tabriz, Iran.

poverty and social exclusion. Considering the fluctuating movement of the development plans of the IRI for confronting poverty and deprivation, and the non-fulfillment of its goals, it is suggested that a document be drafted to reform institutions such as formal rules and governance. Also, future development plans should be written and implemented in line with the realization of the document. Institutional reforms will provide the necessary ground for inclusive growth, which will result in the removal of functional poverty and social exclusion in the country, and the improvement of people's income.

Keywords: Development Plans, Social Exclusion, Capability Poverty, Income Poverty, Content Analysis

JEL Classification: O20, J68, I30